



فصلنامه مطالعات ایلام شناسی

فصلنامه ی تخصصی باستان شناسی * شماره ی ۹ * سال سوم * زمستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب اله محمودیان

سرمدیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور: مهندس علی محمدنیاکان

ویراستار فارسی: حسن افشار

ویراستار انگلیسی: دکتر رضا خانی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۲۵۰۰۰ تومان



نشانی فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه سوم، پلاک ۲۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۴۳۱۸ --- ۰۸۴

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:



هیئت تحریریه:

دکتر رضا احمدی

رشته ی تخصصی: جنگلداری

دکتر پریسا پورمحمدی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر شاهین حیدری

رشته ی تخصصی : معماری- انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشته ی تخصصی: هیدرو ژئولوژی

دکتر رضا خانی

رشته ی تخصصی : زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشته ی تخصصی معماری سازه

دکتر لیلا خسروی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سهیلا درویشی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر فرنگیس درویشی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ناصر راد

رشته ی تخصصی : روابط بین الملل

دکتر مسعود شادمان

رشته ی تخصصی : علوم تاریخ، تمدن ملل

دکتر حبیب شهبازی شیران

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته ی تخصصی: زبان شناسی

دکتر حبیب اله محمودیان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر خداکرم مظاهری

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سیاوش یاری رشته ی تخصصی : تاریخ اسلام

داوران این شماره:

دکتر لیلا خسروی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

دکتر مسعود شادمان

دکتر خداکرم مظاهری

دکتر سهیلا درویشی

دکتر سیاوش یاری

دکتر لیلی نیاکان

دکتر حبیب شهبازی شیران

ویژگی‌های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه‌ی تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد. مقاله نباید در نشریه‌ی دیگری منتشر شده باشد. چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه‌ی فصلنامه است. پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود. مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده‌ی نویسنده (نویسندگان) است. مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است. مقاله نباید از ۲۰ صفحه‌ی استاندارد فصلنامه بیشتر باشد. نام کامل نویسنده، مرتبه‌ی علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته‌ی تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه‌ی جداگانه‌ای ضمیمه شود. ارسال مقاله تنها از طریق ایمیل فصلنامه‌ی مطالعات ایلام‌شناسی امکان‌پذیر است. عناوین جدول‌ها، تصاویرها، نقشه‌ها، طرح‌ها و نمودارها با ذکر شماره (توضیحات و ذکر منبع) در زیر آورده شود.

ساختار مقاله

مقاله باید دارای ساختار زیر باشد: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده‌ی انگلیسی.

عنوان: نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.

مشخصات نویسنده: شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه‌ی علمی، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.

چکیده: شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. لازم به ذکر است چکیده‌ی مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.

واژه‌های کلیدی: شامل ۴ تا ۷ واژه‌ی تخصصی است که دارای اهمیت باشد.

مقدمه: شامل طرح مسأله‌ی اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی در حیطه‌ی مسأله‌ی موردنظر مطرح شود.

متن اصلی: شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و... همراه باشد.

نتیجه‌گیری: شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.

پی‌نوشت: توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.

منابع: فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه‌نامه‌ی مجله.

چکیده‌ی انگلیسی: چکیده‌ی انگلیسی باید عیناً ترجمه‌ی چکیده‌ی فارسی باشد.

شیوه‌ی تنظیم متن

مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه‌ی ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه‌ی ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با یک سانتی‌متر تورفتگی از هر طرف و با همان قلم ولی با اندازه‌ی ۱۱ نوشته شود.

شیوه‌ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند.

ارجاع داخل متن: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره‌ی صفحه یا صفحات؛

مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 1999: 33)

ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر (درون پرانتز)، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله‌ی مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره‌ی صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده‌ی محل تحصیل.

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره‌ی طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.

ارجاع به سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می شود، همان منابعی باشد که در داخل متن استفاده شده است.

عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود. **توجه:** تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهد شد.

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
ویژگی‌های کلی مقاله	۳
بررسی محوطه‌های پیش از تاریخ دهلران از منظر گردشگری	
فرهنگی بین‌المللی	۷
دکتر حبیب‌اله محمودیان	۷
بررسی ارتباط تمدنی آراتای باستان با تمدن‌های شرق بین‌النهرین	۲۹
دکتر پریسا پورمحمدی، دکتر حبیب‌اله محمودیان	۲۹
لالایی‌ها با صدای مادران ایلامی	۴۲
دکتر زهرا فتحی	۴۲
دلایل پایداری معماری اسلامی با تکیه بر مساجد و خلاقیت معمار	۵۴
زینب لطفی آزاده محمودیان	۵۴
بررسی ویژگی‌های معماری بنای تاریخی قلعه‌ی کنج‌ان چم	۶۷
وحید درخشنده	۶۷
خلوت و حریم در معماری ایرانی	۷۷
دکتر ابراهیم مرادی مینا هاشمی	۷۷
چکیده انگلیسی مقالات	۸۷

بررسی محوطه‌های پیش از تاریخ دهلران از منظر گردشگری فرهنگی بین‌المللی

دکتر حبیب‌اله محمودیان^۱

چکیده

بررسی آثار برجای مانده از دوران زندگی بشر، این حقیقت را بیشتر روشن می‌کند که انسان همیشه به دنبال شناخت مجهولات و ناشناخته‌ها برای یافتن، دریافتن و بهره‌گرفتن از آن‌ها در مراحل و روند تکامل زندگی خود بوده است. انسان در طول زندگی اجتماعی خود همواره کوشیده محیط پیرامونی خود را بشناسد و این شناسایی با تحرک و جابه‌جایی همراه بوده است. از سویی، تلاش برای بهره‌گیری از مواهب خدادادی در طبیعت، او را به سیر و سفر، تحرک و جابه‌جایی ترغیب نموده است. بنابراین، مسأله‌ی گردش و سیاحت پدیده‌ی جدیدی نیست و در تمام دوران زندگی انسان و در طی قرون و اعصار وجود داشته است.

استان ایلام گنجینه‌های باارزشی از تاریخ گذشته و جلوه‌های زیبای خلقت را در گستره‌ی خود حفظ نموده که در قالب مناظر زیبای طبیعت و جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی خود نمایی می‌کند. در این مقاله تلاش شده تا موقعیت باستان‌شناختی دهلران به عنوان قطب بین‌المللی توریست فرهنگی معرفی شود. کاوش‌هایی که در سرزمین دهلران انجام گرفته روشن‌گر این حقیقت است که انسان در این منطقه در حدود ۸ هزار سال پیش از میلاد استقرار داشته است. بر اساس شواهد به دست آمده از پژوهش‌های باستان‌شناسی و هم‌چنین، آزمایش‌های فراوان (هول، کنت فلائری) در سال ۱۹۶۱ بر روی تپه‌های علی‌کش (تپه باستانی علی‌کش و چگا سفید و ... انسان در فاصله‌ی میان ۵۵۰۰ تا ۷۵۰۰ قبل از میلاد در این منطقه به اهلی کردن دام و کشت دانه‌های گیاهی مانند جو، عدس، ماش و کتان توفیق یافته است. از جهتی دیگر در بررسی‌های اخیر باستان‌شناسی (محمودیان، ۱۳۹۳) آثار دیگری در منطقه عمومی موسیان دهلران شناسایی شده که در این مقاله به اجمال معرفی شده است.

بنابراین ضرورت دارد تا با برنامه‌ریزی هدفمند، این منطقه‌ی باستانی به مراکز علمی، فرهنگی و اکادمیک معرفی گردد.

^۱ - دانش‌آموخته باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران.

واژگان کلیدی: تپه علی کش، میان رودان، رودخانه ی دویرج، مهوز، موسیان، دشت عباس، توریسم فرهنگی.

مقدمه: صنعت گردشگری یکی از منابع مهم توسعه در کشورهای جهان قلمداد می گردد؛ چنان که بسیاری از کشورهای جهان در سیاست‌های کلان خود بخش گردشگری را پایه و اساس اقتصاد خود قرار داده‌اند. در کشور ما وجود استعدادهای بالقوه برای توسعه‌ی گردشگری، اقدامات اساسی مبتکی بر یافته‌های علمی صورت نگرفته و برخی عوامل موجب شده تا سهم ایران از بخش درآمدهای ارزی صنعت گردشگری ناچیز باشد. بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می دهد که شهرها و مراکز جمعیتی مهم که در مسیر راه‌های ارتباطی قرار داشته‌اند سریع‌تر پیشرفت نموده و از مزایای توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی بهره‌مند شده‌اند. رونق شهرهای مهم باستانی به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه‌های مهم ارتباطی چون راه شاهی یا شاهراه باستانی «جنوب- شمال» و راه خاوران، «شرق به غرب» بوده است.

برخی مناطق که به وسیله‌ی راه‌های فرعی به این شاهراه‌ها متصل شده‌اند نیز موقعیت مناسب یافته‌اند. در گذشته، راه‌های مهم ارتباطی فلات مرکزی ایران با ساکنان میان رودان (عراق فعلی) از منطقه‌ی زاگرس غربی گذشته است. وجود ده‌ها اثر تاریخی و باستانی در این منطقه دلیلی بر این ادعا ست. واقع شدن منطقه‌ی دهلران در مسیر ارتباطی جنوب غرب ایران به میان رودان و در حد فاصل شوش و تمدن‌های بین‌النهرین چون سومر، اکد و آشور و نیز شهر تیسفون در دوره‌ی تاریخی مسأله‌ی ارتباط بین این شهرها و ایجاد جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی را به دنبال داشته است (محمودیان، ۱۳۷۷:).

بنابراین، می‌توان چنین اظهار نظر نمود که تعدد و تنوع آثار و ابنیه و محوطه‌های باستانی در این محدوده‌ی جغرافیایی نشانگر عظمت و اقتدار تمدن و فرهنگ دهلران در دوران پیش از تاریخ و دوره‌های بعدی بوده است.

در این نوشتار تلاش شده تا موقعیت باستان شناختی دهلران به عنوان قطب فرهنگی پیش از تاریخ ایران معرفی شود. با توجه به اینکه امروزه جاذبه‌های فرهنگی بخش عمده‌ای از محققان و اندیشمندان عرصه‌ی تاریخ و باستان‌شناسی را پذیرا می‌باشد بنابراین، دهلران و ده‌ها محوطه‌ی باستانی این منطقه می‌تواند در اقتصاد بخش گردشگری فرهنگی کشور موثر باشد.

موقعیت جغرافیایی

دهلران در جنوب شرقی استان ایلام و در فاصله‌ی ۲۲۸ کیلومتری ایلام واقع شده است. از شمال با شهرستان آبدانان، از شرق با شهرستان اندیمشک در استان خوزستان، از جنوب با خوزستان و بخشی از کشور عراق و از غرب با نواحی شرقی کشور عراق محدود است و ۶ هزار و ۸۱۶ کیلومتر مربع مساحت دارد. دهلران مرکز این شهرستان، در دامنه‌ی جنوب و جنوب غربی دینارکوه قرار دارد. این شهرستان دارای چهار بخش میمه، زرین‌آباد، مرکزی و موسیان و هشت دهستان است. این شهرستان، از قدیم الایام به ده‌گران معروف بوده است. بقایای آثار تاریخی و باستانی و مجموعه‌ی اشیای باستانی کشف شده، نشانگر قدمت این منطقه در دوران مختلف تاریخی است.

منابع عظیم نفت، زمین‌های وسیع و مستعد کشاورزی و زیرساخت‌های کشاورزی این شهرستان مرزی از اهمیت خاصی برخوردار است. رودخانه‌های دویرج و چیغاب دو رود مهم دهلران هستند که از منطقه‌ی مورموری عبور می‌کنند. شهر پهلہ مرکز بخش زرین‌آباد است که دارای آثار باستانی متعددی متعلق به دوران مختلف تاریخی است. محوطه‌ها، قبرستان‌ها و بناهای تاریخی و باستانی متعددی در بخش زرین‌آباد از

گذشته برجای مانده که بررسی و شناسایی باستان‌شناسی را می‌طلبد. شهر میمه نیز یکی از نواحی خوش آب و هوا و پر جمعیت شهرستان دهلران است. قدمت منطقه‌ی دهلران به هزاران سال پیش بر می‌گردد و همواره با جلگه‌ی میان رودان در ارتباط بوده است. قلاع تاریخی، روادگاه پیر دمی و بنای احتمالاً معبدی از معابد آناهیتا در منطقه‌ی میمه ویژگی خاصی به این دیار داده است.

بنای سنگی چک دوستعلی: درحاشیه‌ی رودخانه‌ی میمه در غرب کبیرکوه و در میان باغ‌های میوه، شهر کوچک میمه ساخته شده از سنگ‌های تراشیده به سبک دوره‌ی اشکانی از جمله نیم ستون‌های کروی بر اثر حفاری‌های غیرمجاز نمایان شده است. در این محل که به نام "چک دوستعلی" معروف است تعداد ده قطعه سنگ مکعب شکل و دو قطعه ستون سنگی کروی شکسته مشاهده می‌شود. ابعاد یک قطعه از این سنگ‌ها $۱۳۰ \times ۶۰ \times ۵۰$ سانتی‌متر می‌باشد. تکه سفال‌های ساده و منقوش ضخیم قرمز و نخودی در این محوطه به وفور وجود دارد. به نظر می‌رسد این محوطه که نسبت به زمین‌های اطراف بلندتر است، آثار مهمی را از دوران تاریخی در خود نهفته داشته باشد (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۹۳).



بخشی از بقایای معماری چک دوستعلی (احتمالاً بنای معبد)

بخش موسیان یکی از بخش‌های مرزی شهرستان دهلران است. این بخش در حد فاصل دهلران و استان خوزستان قرار دارد و مرکز آن شهر موسیان است. دهستان‌های موسیان عبارتند از: ابوغویر، دشت عباس و نهر عنبر. دو جلگه‌ی معروف میان رودان و خوزستان در غرب و جنوب این منطقه واقع شده‌اند. با توجه به اینکه بیشتر تمدن‌های باستانی در کنار منابع آب ایجاد شده‌اند، در دهلران دو رودخانه‌ی دویرج و میمه جریان دارند که شرایط مناسبی برای ایجاد تمدن در دنیای گذشته را در این منطقه فراهم آورده‌اند. این رودخانه‌ها منطقه را به صورت میان رودان کوچکی در حد فاصل دو جلگه‌ی یاد شده درآورده است (محمودیان، ۱۳۹۳:۴۰).

آثار تاریخی طبیعی دهلران

غار خفاش: این غار در سه کیلومتری شمال شرقی شهر دهلران در دامنه‌ی ارتفاعات مشرف بر دره و چشمه‌ی آب گرم معروف دهلران واقع شده است. این غار طبیعی ۲۵۵ متر طول، ۳۰ متر عرض و ۵۰ متر ارتفاع دارد. به علت وجود صدها خفاش در آن به

غار خفاش معروف شده و خفاش‌های موجود در آن با خفاش‌های موجود در غارهای دیگر از جمله غار دره دراز ایوان تفاوت دارد؛ زیرا این خفاش‌ها دم دار هستند. غار خفاش دهلران دارای استالاکتیت‌ها و استالاکمیت‌های فراوانی است که نشانگر تحولات دوران زمین‌شناختی است (محمودیان، ۱۳۹۶: ۲۶).

چشمه‌ی آب گرم از جمله پدیده‌های تاریخ طبیعی دهلران است که در بخش شمال شرقی این شهر و در دامنه‌ی ارتفاعات سیاه کوه نزدیک به غار خفاش واقع شده و به دلیل اهمیت آن در ردیف آثار طبیعی ملی سازمان حفظ محیط زیست کشور به ثبت رسیده است. این چشمه‌ها همانند دیگر چشمه‌های معدنی دارای خواص آب درمانی بوده و اثر ضد قارچ دارد. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که چشمه‌های آب گرم دهلران از نوع فسیلی بوده که در اثر فعل و انفعالات زمین‌شناسی و منابع انرژی موجود در این منطقه تشکیل شده است. چشمه‌های آبگرم دهلران که منشأ اصلی جوشش آنها ریشه در زیرزمین دارد، از نادرترین جلوه‌های طبیعی استان و کشور است.

چشمه‌ی قیر دهلران از پدیده‌های طبیعی ایران در این منطقه از کشور است که در شمال شرقی دهلران و در دامنه‌ی سیاه کوه واقع شده است. چشمه‌های قیر همراه با آب از زمین می‌جوشد و در سرچشمه حوضچه‌ی طبیعی سیاه‌رنگی تشکیل داده و در مسیری کوتاه جریان دارد. این اثر طبیعی در فهرست آثار تاریخی طبیعی کشور به ثبت رسیده است. در دوران گذشته از قیر طبیعی منطقه برای قیر اندود پشت بام‌ها استفاده است. در منابع تاریخی به شهری به نام **منس** در منطقه اشاره شده که پشت بام خانه‌های این شهر با قیر اندود شده است (محمودیان، ۱۳۹۳: ۲۳).

شهر منس^۲ باستان

در حوزه‌ی رودخانه‌های میمه و دویرج در محدوده‌ی موسیان و دهلران که باید به نام **بین النهرین صغیر** از آن یاد کرد، آثار مهمی از گذشته برجای مانده که تقریباً تقارن آن با حوزه‌ی هلیل رود قابل تأمل است. شهر «منس» در مسیر لشکر کشی اسکندر می‌تواند مورد توجه باشد. اسکندر مقدونی پس از تصرف شهرهای کنار دریای مدیترانه و مصر به سمت شرق حرکت می‌کند و به شهرهای دمشق، حران و نصیبین می‌رسد. او از اربیل روانه‌ی بابل شد و در بین راه به شهر منس رسید. در این شهر، غاری بود که از دامنه‌ی آن چشمه‌ی قیر جاری بود و بابلی‌ها از آن برای اندود خانه‌های خود استفاده می‌کردند.

از آن جا که مسیر لشکر کشی اسکندر به سمت بابل از شرق رود دجله بوده است و شهر منس هم در این مسیر واقع شده بود و با توجه به این که شهر فعلی موسیان و تپه‌های پیش از تاریخ آن در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی دهلران قرار دارند و با نقشه‌ی مسیر لشکر کشی اسکندر به سمت بابل تطبیق می‌کند.

بنابراین، احتمالاً محوطه‌های باستانی منطقه‌ی موسیان بقایای همان شهر منس بوده باشد. از جهتی دیگر وجود غار خفاش و چشمه قیر دهلران با اطلاعات ارائه شده در رابطه با شهر منس باستان همخوانی دارد. بررسی و تحقیق در این زمینه می‌تواند به شناسایی این شهر باستانی منجر شود.

موقعیت باستان شناختی دهلران

کاوش‌هایی که در سرزمین دهلران انجام گرفته روشن‌گر این حقیقت است که انسان در این منطقه در حدود ۸ هزار سال پیش از میلاد از دو گونه‌ی گیاهی؛ یعنی گندم و جو استفاده کرده است. از جهتی با اهلی کردن میش و بز سردمدار آغاز دامپروری بوده

^۲- Menes

است. اجرای پروژه‌ی پیش از تاریخ ایران در تپه‌ی موسیان، تپه سبز و تپه‌ی علی کش و چند تپه‌ی دیگر و تلاش باستان‌شناسانی چون فرانک هول، کنت فلانری و جیمز نیلی موجب شد تا هفت دوره‌ی فرهنگی در دشت موسیان از ۷۵۰۰ تا ۳۷۰۰ ق. م مشخص شود که به ترتیب از قدیم‌ترین دوره‌ی بزمرد ... علی کش و محمد جعفر نامیده شدند (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸).



چگا سفید دهلران

گورستان پرچینه در منطقه‌ی زرین آباد دهلران از توابع استان ایلام واقع شده است. واندنبرگ، گورستان مکشوفه در این ناحیه را منسوب به دوره‌ی روستانشینی میانه تا روستانشینی جدید می‌داند. فرانک هول نوشته است: «پرچینه، گورستان بزرگی است که ۱۵۶ گور آن کاوش شده است. در آرامگاه‌های این گورستان سنگ‌های حفره داری کنار هم چیده شده و سرپوشی روی آن‌ها را گرفته است» (هول، ۱۳۸۳: ۹۵).

تپه‌ی موسیان

این محوطه باستانی توسط هیأت فرانسوی تحت سرپرستی گوتیه Gautie و لامپر Lampre در سال ۱۹۰۳-۱۹۰۲ مورد کاوش قرار گرفته است. ارتفاع تپه از سطح زمین‌های اطراف ۱۸ متر اندازه‌گیری شده است. یافته‌های سفالی نشان می‌دهد تپه دارای خصوصیت ممتازی بوده است. خمیر سفال‌ها زرد رنگ و یا سبز رنگ است. نقوش آن به رنگ قهوه‌ای یا سیاه و به ندرت قرمز رنگ می‌باشد و شباهت با شوش دارد. خطوط هندسی، مانند صلیب یونانی لبه دار، لوزی‌های دنباله دار، شکل‌های شبیه عدد هفت، دایره‌های شبیه قرص خورشید، درخت خرما، نقوش مرغان آبی، حیوانات یا نقوش کنده از ببر، کفتار با پا‌های شبیه به اره، بز کوهی به صورت مصنوعی، بزهای کوهی با شاخ‌های دندانه دار و نقش انسان‌هایی که دست‌هایشان را بلند کرده‌اند.



تپه‌ی موسیان

تپه‌ی باستانی علی کش

تپه‌ی علی کش ازجمله محوطه‌های باستانی این منطقه است که حدود چهار متر از زمین‌های اطراف ارتفاع دارد و قطر آن ۱۳۵ متر است. در سال ۱۹۰۳ م. ژاک دومورگان در رأس یک هیأت فرانسوی این تپه را مورد بررسی قرار داده است. او ضمن یک گمانه‌ی آزمایشی قدمت این تپه را ۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ قبل از میلاد اعلام کرد. تپه‌ی علی کش در کنار رود میمه واقع شده و در سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ یک فصل حفاری در این تپه صورت گرفته است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸). آثاری که در این تپه به دست آمده، مربوط به دوره‌ی نوسنگی است. ی

افته‌های باستان‌شناسی، هفت دوره‌ی فرهنگی را برای تپه‌ی علی کش ارائه نموده است که دوره‌های بزم‌رده، علی کش و محمدجعفر، قدیمی‌ترین دوره‌های فرهنگی است. در دوره‌ی بزم‌رده ابزارهای سنگی شامل سنگ‌های کوبنده، کاسه‌های سنگی، مهره‌های تزئینی و پیکرک‌های گلی حیوان در این تپه به دست آمده است. کشت غلات، رونق داشته و از غلات، گندم و جو کشت می‌شده است و از حبوبات نمونه عدس در حفاری‌های دوره‌ی علی کش به دست آمده است.

در دوره‌ی علی کش از داس‌های سنگی، کاسه‌های کف تخت، بشقاب‌های کم عمق، استفاده شده، ضمن این که علاوه بر پیکرک‌های گلی بز، چند نمونه پیکرک گلی انسان نیز یافت شده است. قدمت این دوره براساس آزمایش‌های انجام شده از طریق کربن ۱۴ بیش از ۸ هزار سال را نشان می‌دهد. در مورد استقرار در تپه‌ی علی کش چنین اظهار نظر داشته شده است که در دوره‌ی «بزم‌رده» نوعی استقرار فصلی وجود داشته است. در دوره‌ی «علی کش» طول مدت استقرار بیشتر شده و در دوره‌ی «محمدجعفر» ساکنان دهلران استقرار دائم داشته‌اند. پژوهش‌های باستان‌شناسان در منطقه‌ی موسیان اطلاعات ارزشمندی ارائه داده است. در دوره‌ی بزم‌رده از ابزارهای

سنگی، صدف و استخوان حیوانات استفاده شده است، در دوره‌ی بعدی؛ یعنی علی‌کش ضمن استفاده از قطعات گل رسوب منطقه از ابزارهای سنگی، تیغه‌های آبسیدین و ظروف سنگی استفاده می‌کردند. در این دوره ساخت پیکرک‌های گلی بزواج داشته است. اواسط هزاره‌ی ششم قبل از میلاد، زمان ورود ساکنان به دوره‌ی شهرنشینی است. تنوع آثار به دست آمده از تپه‌ی علی‌کش ارتباطات اجتماعی ساکنان دهلران با بیشابور، فارس، نواخی غرب ایران، سیلک کاشان، جارمو در کردستان، اطراف دریایچه وان در ترکیه را نشان می‌دهد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۳: ۱۳۴). از جهتی دیگر ارتباط ساکنان بین‌النهرین از طریق موسیان به سمت فارس و کرمان و حوزه‌ی رودخانه‌ی هلیل رود در استان کرمان می‌تواند جهات مختلف این ارتباط را روشن نماید (محمودیان، ۱۳۸۴: ۷۸).

در سال ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۲ خورشیدی) گوتیه^۳ و لامپر^۴ به منظور حفر گمانه‌های آزمایشی در تپه‌های موسیان، خزینه و تپه کوچک محمدجعفر و تپه فرخ‌آباد که بعداً معلوم شد همین تپه‌ی علی‌کش بوده است که گاهی نیز بزمرده نامیده می‌شود، از دهلران بازدید بعمل آوردند (Hole, Flanry, Neely ۱۹۶۹: ۸). این هیأت در جبهه‌ی شمال‌شرقی علی‌کش گمانه‌ی کوچکی به ابعاد ۷×۷ متر حفر کردند.

در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ خورشیدی) رابرت بریدوود، مدیر طرح پیش از تاریخ دانشگاه شیکاگو، به همراه ریچارد واتسون^۵ متخصص زمین‌شناسی در طرح مزبور، از منطقه‌ی دهلران و تپه‌ی محمدجعفر بازدید کردند. سال بعد؛ یعنی ۱۹۶۱ میلادی، فرانک هول و کنت فلانری، از شاگردان مکتب بریدوود، به منطقه آمدند و در یک

³ - Gautier

⁴ - Lampre

⁵ - Watson

بررسی کوتاه مدت علاوه بر شناسایی تعدادی محل‌های باستانی در بعضی از آن‌ها نیز اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی کردند. تپه‌ی محمدجعفر یا علی‌کش، یکی از آن‌ها بود. دو سال بعد که فرانک هول هیأت باستان‌شناسی دانشگاه رایس^۶ را تشکیل داد به همراه کنت فلائری و جیمز نیلی با توسعه دادن گمانه‌ی آزمایشی سال ۱۹۶۱ میلادی در تپه‌ی علی‌کش، حفاری در این محل را تا سطح خاک بکر ادامه دادند.



حفاری در تپه‌ی علی‌کش (۱۹۶۱)

در سال ۱۹۶۳ میلادی، علاوه بر حفاری در تپه‌ی علی‌کش در دو تپه‌ی موسیان و سبز نیز اقدام به حفر گمانه‌هایی آزمایشی نمودند (Neely and wrigh 1994:4). در سال ۱۹۶۳ میلادی حفاری در تپه‌ی علی‌کش در عمق هفت متری و در چغاسبز در عمق یازده متری به خاک بکر رسید. در سال ۱۹۶۳ میلادی در مشرق گمانه‌ی آزمایشی قبلی و ترانشه دیگر با ابعاد ۱۰×۱۰ متر حفر گردید (مترجم، ۱۳۸۵: ۴).

⁶ - Rice university Archaeological project

در بررسی باستان‌شناسی سال ۶۹-۱۹۶۸ میلادی توسط جیمز نیلی و هنری رایت^۷ در منطقه‌ی دهلران تعدادی تپه‌های باستانی دیگر شناسایی شدند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. تپه سفید ۲. چغا سفید. فصل دوم بررسی و شناسایی این شهرستان در سال ۱۳۸۴ به وسیله‌ی هیأت باستان‌شناسی میراث فرهنگی استان ایلام به سرپرستی عباس مترجم اجرا شد. تپه‌ی علی کش در کنار رود میمه واقع شده و در سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ یک فصل حفاری در این تپه صورت گرفته است (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸).



کاوش در تپه سفید دهلران (۱۹۶۳)

در منابع دیگری نیز به این موضوع اشاره شده است (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۸۴). اواسط هزاره‌ی ششم قبل از میلاد، زمان ورود ساکنان به دوره‌ی شهرنشینی است. تنوع آثار به دست آمده از تپه‌ی علی کش ارتباطات اجتماعی ساکنان دهلران با بیشابور، فارس، نواحی غرب ایران، سیلک کاشان، جارمو در کردستان، اطراف دریاچه‌ی وان در ترکیه را نشان می‌دهد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۳۴).

⁷ - Henryt. Wright



از سویی، ارتباط ساکنان میان رودان از طریق موسیان به سمت فارس و کرمان و حوزه ی رودخانه هلیل رود در استان کرمان می تواند جهات مختلف این ارتباط را روشن نماید.

تپه‌ی مراد آباد موسیان

این تپه‌ها در فاصله‌ی چهار کیلومتری جنوب شرقی روستای پتک دیناروند، از توابع شهرستان دهلران واقع شده‌اند. طول جنوب شرقی - شمال غربی تپه‌ی شماره دو که به شکل بیضی است ۱۲۰ متر و عرض شمال شرقی - جنوب غربی آن ۱۱۰ متر اندازه گیری شده است. ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف هفت متر و مساحت آن در حدود یک هکتار است (نورالهی، ۱۳۸۵: ۲۵۷). جنس خاک این تپه رُسی است. در سطح بالایی تپه و نیز شیب یال‌های آن پراکندگی مواد سطحی به ویژه قطعات سفال، ابزارهای سنگی و سنگ‌های مادر به فراوانی دیده می‌شود.

پراکندگی یافته‌های سطحی تا شعاع ۳۰ متری تپه دیده می‌شوند. رودخانه دوبرج در فاصله‌ی ۴۰۰ متری جنوب این تپه جریان دارد. گونه‌های متنوعی از قطعات سفال،

ابزارهای سنگی و سنگ‌های مادر به صورت پراکنده و به مقدار فراوان یافته‌های سطحی این اثر ارزشمند باستانی را تشکیل داده است. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد این محوطه در هزاره سوم ق.م دارای استقرار بوده است. سفال‌های هزاره سوم ق.م نیز هم‌زمان با شوش در خوزستان، جمدت نصر در میان رودان و بانس در فارس می‌باشند (همان: ۲۵۷)



تپه‌ی مراد آباد موسیان (آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام)

محوطه‌ی باستانی ابوغویر

این محوطه‌ی باستانی در بخش شمال غذبی روستای ابوغویر از توابع شهرستان دهلران واقع شده است. آثار بناهایی که با استفاده از آجر ساخته اند در لایه‌های زیرین دیده می‌شود (نگارنده: ۱۳۹۳).



سفالینه ی سطحی محوطه باستانی ابوغویر



محوطه ی باستانی ابوغویر

شهر تاریخی مهوز ابوغویر

این محوطه ی باستانی در فاصله ی پنج کیلومتری جنوب غربی روستای ابوغویر از توابع شهرستان دهلران واقع شده است. بقایای معماری روستای قدیمی ابوغویر نیز در پنج کیلومتری بخش جنوب غربی این مکان واقع شده است. محوطه شامل: تپه ی

بزرگ مرکزی با ابعاد ۷۰+۸۰ متر و چند تپه‌ی کوچک در محوطه‌ی پیرامونی است. جریان فرسایش آب بخشی از لایه‌های باستانی با آثار معماری آجری را نمایان ساخته است. به نظر می‌رسد تپه‌ی بزرگ، آثار مربوط به قلعه‌ای باشد که در دوران باستان در این مکان ایجاد شده است. ابعاد این شهر باستانی حدود ۶۰۰*۸۰۰ متر اندازه‌گیری شده است. سفالینه از نوع ساده و منقوش، نمونه آجرهای به کار رفته در بنای تپه‌ی مرکزی، ابزار سنگی از مهم‌ترین شناسه‌های فرهنگی شهر مهوز ابوغویر است (نگارنده: ۱۳۹۳).



سفالینه‌ی تپه‌ی باستانی مهوز ابوغویر



شهر باستانی مهوز ابوغویر

تپه‌ی باستانی دشت عباس

این اثر باستانی در ۳۰ متری شرق امام‌زاده عباس و در ابتدای جاده‌ی دشت عباس به آبدانان واقع شده است. ابعاد تپه ۳۰۰ * ۳۰۰ متر اندازه‌گیری شده است. سفالینه‌ی ساده و منقوش، ابزار و تیغه‌ی سنگی، آثار معماری و نیز لایه‌های باستانی شواهد و آثار این مکان باستانی است (محمودیان: ۱۳۹۳).



تپه‌ی باستانی دشت عباس

قلعه‌ی شیخ زرین آباد

قلعه‌ی شیخ در فاصله‌ی سه کیلومتری شرق روستای بردی^۸ از توابع بخش زرین آباد و بر روی محدوده‌ای نسبتاً بلند واقع شده است. روستای بردی از روستاهای شهر پهلۀ زرین آباد دهلران است که در شمال این شهرستان واقع شده است. شمال این اثر باستانی جاده‌ی شوسه روستای بردی به روستای چم سرخ قرار دارد و در جنب شمالی جاده محوطه‌ی باستانی (ویله) ملاحظه می‌شود که فاصله‌ی چندانی با قلعه‌ی شیخ ندارد. ارتفاعات بخش شمالی قلعه و دژ شیخ سرچشمه‌ی منابع آب و چشمه‌های این منطقه‌ی استراتژیک بوده است.

این ارتفاعات به نام تخت پیران معروف است. زمین‌های تپه ماهوری، محدوده‌ی بخش شرقی قلعه را تشکیل می‌دهد. رودخانه‌ی فصلی شیخ در دره‌ای به همین نام حدود غربی این بنا را در بر گرفته است. این قلعه از سمت جنوب به زمین‌های کشاورزی و با فاصله‌ی چند کیلومتر به ارتفاعات نسبتاً بلندی محدود می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۶: ۷۶).

مشخصات قلعه‌ی شیخ

قلعه‌ی عظیم شیخ از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است:

- حصار بلند پیرامونی؛
- قلعه مرکزی؛
- محوطه‌های پیرامونی.

^۸ - Ba rdi



دژ شهاق: روستای بردی زرین آباد

خلاصه

واقع شدن منطقه‌ی دهلران در مسیر ارتباطی جنوب غرب ایران به میان رودان و درحد فاصل شوش و تمدن‌های بین‌النهرین چون سومر، اکد و آشور و نیز شهر تیسفون در دوره‌ی تاریخی مسأله‌ی ارتباط بین این شهرها و ایجاد جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی را به دنبال داشته است. از این نظر می‌توان چنین اظهار نظر نمود که تعدد و تنوع آثار و ابنیه و محوطه‌های باستانی در این محدوده‌ی جغرافیایی نشانگر عظمت و اقتدار تمدن و فرهنگ دهلران در دوران باستان بوده است.

در این مقاله تلاش شده تا موقعیت باستان‌شناختی دهلران به عنوان قطب فرهنگی پیش از تاریخ ایران معرفی شود. با توجه به اینکه امروزه جاذبه‌های فرهنگی بخش عمده‌ای از محققان و اندیشمندان عرصه تاریخ و باستان‌شناسی را پذیرا می‌باشد بنابراین، دهلران و ده‌ها محوطه‌ی باستانی این منطقه که در منابع علمی باستان‌شناسی کشور

های جهان دارای جایگاه ویژه‌ای است می‌تواند در اقتصاد بخش گردشگری ملی و بین‌المللی برای توسعه‌ی کشور موثر باشد.

منابع

۱. پیری، عبدالسلام، ۱۳۹۰، سیمای منابع طبیعی و آبخیز داری استان ایلام.
۲. راولینسون، سر هنری، ۱۳۶۲، سفرنامه راولینسون، ترجمه‌ی سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد: امیرکبیر .
۳. فرای، ریچارد. ن، ۱۳۷۵، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، چاپ سوم، سروش.
۴. مترجم، عباس و...، ۱۳۸۵، گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی و فرهنگی شهرستان دهلران، میراث فرهنگی و گردشگری.
۵. محمودیان، حبیب اله، ۱۳۷۷، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، سبز رویش، تهران .
۶.، ۱۳۹۰، جغرافیای ایرانگردی، نشر مبنای خرد.
۷.، ۱۳۸۴، باستان‌شناسی، تاریخ و ایلام، گویش، ایلام.
۸.، ۱۳۷۷، گزارش شناسایی و مستندسازی آثار شهرستان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری .
۹.، ۱۳۹۳، گزارش مقدماتی بازدید از سایت باستانی منطقه موسیان و ابوغویر، .
۱۰.، ۱۳۹۳، جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان دره شهر، نشر زاگرو، ایلام
۱۱.، ۱۳۹۶، تمدن ده هزار ساله دهلران، نشر زاگرو، ایلام.
۱۲. ملک شه‌میرزادی، صادق، ۱۳۷۳، مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی.
۱۳. نورالهی، ۱۳۸۵، بررسی و شناسایی شهرستان دهلران، میراث فرهنگی استان ایلام.

۱۴. واندنبرگ، لویی، ۱۳۵۰، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ششم، وزارت فرهنگ و هنر.

۱۵. هول، فرانک، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه‌ی زهرا باستی، سمت، تهران. آرشیدادارات، سازمان‌ها و نهاد‌های انقلاب اسلامی استان ایلام اداره کل راه و شهرسازی استان ایلام اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.

- 1- Neely and wrigh 1994:4.
- 2- Hole, Flanny, Neely ۱۹۶۹:۸
- 3- Rice university Archaeological project
- 4- Ilamtoday.
- 5- Ilammiras

بررسی ارتباط تمدنی آراتای باستان با تمدن‌های شرق بین‌النهرین

دکتر پریسا پورمحمدی^۹، دکتر حبیب‌اله محمودیان^{۱۰}

چکیده

فلات ایران به دلیل شرایط و موقعیت جغرافیایی از دیرباز سکونتگاه انسان و مهد تمدن و فرهنگ بوده است. تنوع آب و هوایی، منابع آب، وجود رشته کوه‌های البرز و زاگرس، دشت‌های میان‌کوهی و جلگه‌ای حاشیه‌ای خصوصاً حواشی و سواحل خلیج فارس در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران شرایط مساعد و مناسب برای زندگی انسان در این سرزمین پدید آورده است. جریان رودهای متعدد در دامنه‌های ارتفاعات سلسله جبال زاگرس غربی و شرقی و ناحیه کوهستانی کرمان از حوزه‌ی هلیل رود در شرق تا رودخانه کرخه و دویرج در منطقه موسیان و دهلران در غرب فلات ایران موجب شده تا جنوب ایران و کناره‌های خلیج فارس موقعیت مناسبی برای سکونت و استقرار پیدا نماید.

یافته‌های پژوهش‌های باستان‌شناسی در شهداد، تل ابلیس تپه یحیی و دیگر مکان‌های باستانی در حوزه‌ی هلیل رود در دامنه‌های جنوب غربی جبال بارز، شمال تنگه هرمز و جزایر آن و نیز حوزه‌ی رود میناب نشان می‌دهد که ساکنان این منطقه از هزاره نهم ق-م با گذر از دوره‌ی استقرار در غارها و غارنشینی روانه دشت شده و با پیدایش کشاورزی و استقرار در دهکده‌های اولیه تغییراتی را در زندگی خود ایجاد نموده‌اند. کشف برخی ابزارها چون داس سنگی در تپه یحیی و نمونه‌های مشابه آن در تل ابلیس نشانگر تحول در فعالیت‌های کشاورزی در این عصر بوده است.

^۹ - دانش آموخته رشته باستان‌شناسی از دانشگاه ملی ایروان

^{۱۰} - عضو هیئت علمی دانشگاه

استمرار و ادامه‌ی تحولات نوسنگی با پیدایش سفال در هزاره پنجم ق.م در حوزه‌ی هلیل رود و دشت جیرفت گستره‌ی تمدن این منطقه را در دوره‌ی نوسنگی بیشتر روشن نموده است.

بررسی و مقایسه سفال‌های مکشوفه از تپه‌های حوزه هلیل رود با سفال‌های شوش ارتباط تمدنی ساکنان کرمان را با حوزه‌ی جنوب غربی ایران نشان می‌دهد. از جهتی دیگر ساکنان غرب کرخه و حواشی رودخانه دویرج در موسیان دهلران خصوصاً تپه علی کش در هزاره هفتم ق-م دارای استقرار بوده و ظهور سفال در این منطقه حدود ۶۰۰۰ قبل از میلاد بوده است که می‌توان تقارن و هم‌زمانی ساکنان علی کش را با حوزه‌ی هلیل رود مورد توجه قرار داد.

بررسی راه‌ها و معابر باستانی محدوده جنوبی ایران از موسیان و حوزه‌ی رودخانه دویرج و کرخه تا حوزه‌ی هلیل رود می‌تواند به شناخت بیشتر این ارتباط کمک نماید که در این مقاله بیشتر مورد توجه بوده است. از جهتی دیگر موسیان در مسیر ارتباطی تمدن‌های جنوبی ایران با تمدن‌های بین‌النهرین بدون بررسی و شناخت بیشتر تمدن و فرهنگ ساکنان موسیان و دهلران ناقص خواهد بود که در این نوشتار به این موضوع نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی: زاگرس، آراتا، انشان، موسیان، میان رودان، لیان.

مقدمه: بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که سابقه سکونت انسان در پهنه فلات ایران به چند هزار سال باز می‌گردد. تنوع آب و هوایی، اقلیم معتدل و موقعیت جغرافیایی از عوامل مهم اثرگذار در پیدایش سکونتگاه‌ها و مکان‌های استقرار در این سرزمین بوده است. محدوده‌ی کوهستانی زاگرس به دلیل جاذبه‌های جغرافیایی چون: منابع آب، پوشش جنگلی و مرتعی متنوع، دشت‌های میان کوهی و جلگه‌ای حاصلخیز دامنه‌های جنوب و جنوب غربی، موقعیت مناسبی برای

زندگی انسان در دوران مختلف فراهم آورده است. آثار متعدد و ارزشمندی در محدوده شمال خلیج فارس از هلیل رود تا کرخه از دوران باستان به جای مانده که نمایانگر عظمت و اقتدار تمدن و فرهنگ ایران زمین در این منطقه از فلات ایران می باشد. در این نوشتار تلاش شده تا اطلاعاتی در مورد راه ها و معابر باستانی جنوب ایران از هلیل رود تا مرزهای بین النهرین ارائه گردد. این اقدام می تواند از جهاتی ارتباط تمدنی و تاریخی شهرات Arata^{۱۱} و تمدن های بین النهرین در دوران باستان را روشن نماید.

بوم شناسی منطقه

رشته کوه زاگرس شامل کوه های متعدد و مرتفعی است که به موازات یکدیگر امتداد یافته و بخش عمده ای از غرب و جنوب کشور را از کردستان تا منطقه کرمان در بر گرفته است. جهت امتداد کوه ها در این پهنه گسترده شمال غربی - جنوب شرقی است، این عامل مانع نفوذ بادهای باران آور غربی به داخل فلات ایران گردیده و بیشترین بارش ناشی از جریان توده های هوایی را به خود اختصاص داده است از این رو کوهستان زاگرس منبع و سرچشمه بزرگترین رودهای کشور است.

شعبات مختلف رود دجله (تیگرس) در غرب فلات ایران و رودهای کرخه، کارون، آبدیز، جراحی، زهره، دالکی، مند، کر، شور، میناب و هلیل رود از دامنه های زاگرس در جنوب فلات به سمت دشت ها و جلگه های حاصلخیز جنوب و جنوب غربی ایران جریان دارند و در نهایت به خلیج فارس می ریزند.

این موقعیت موجب شده تا بیشترین استقرارها و دهکده های اولیه بشری در کنار این رودها ایجاد شوند. لذا، سراسر ناحیه جنوبی ایران در حدفاصل دو پدیده ی

^{۱۱} - Arata

جغرافیایی، زاگرس و خلیج فارس، از غرب تا شرق، جایگاه و بستر تمدن و فرهنگ ساکنان بومی و مهاجران بوده است (محمودیان، ۱۳۹۴: ۲۴).

چگا آهوان مهران، تپه‌های موسیان (موسیان، علی‌کش، چگا سفید، مهوز ابوغویر، دشت عیاس و...) در دشت دهلران، شهر باستانی شوش، لیان بوشهر، تخت جمشید، ملیان و حوزه رودخانه کر در فارس تا آثار شکفت انگیز حوزه‌ی هلیل رود و جیرفت و به سمت شرق تا دره سند، سلسله آثار به جای مانده از تمدن‌های باستانی ایران زمین می‌باشند که در شمال دریای نیل گون خلیج فارس در طول قرون و اعصار نماد فرهنگ و مدنیت ایران زمین بوده‌اند.

در این مقاله این هدف دنبال شده است تا ضمن معرفی آثار و ابنیه منطقه، راه‌ها و معابر باستانی حاشیه‌ی جنوبی ایران را به عنوان عامل و زمینه‌ی ارتباط بین تمدن‌های باستانی حوزه‌ی هلیل رود در شمال خلیج فارس و تمدن‌های میان رودان مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. واقع شدن منطقه‌ی جغرافیایی زاگرس در حد فاصل چهار پایتخت بزرگ ایران در دوران باستان؛ یعنی **شوش، تخت جمشید، هگمتانه و تیسفون** مسأله‌ی ارتباط بین این شهرها و ایجاد جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی را به دنبال داشته است (محمودیان، ۱۳۹۴: ۱۲).

کشف و شناسایی بسیاری از شواهد فرهنگی در محوطه‌های باستانی، خصوصاً سفال و طبقه‌بندی نوع، رنگ، نقش و دیگر مشخصات ظروف سفالینه، می‌تواند در شناخت برخی شاخص‌های ارتباطی بین تمدن‌ها مؤثر باشد که در این نوشتار به آن توجه شده است. سبک معماری، مصالح به کار رفته در بناها و بسیاری شواهد و شناسه‌های فرهنگی دیگر در محوطه‌های منطقه‌ی مورد مطالعه می‌تواند ما را در شناسایی مسیرهای ارتباطی یاری نماید.

راه‌ها و معابر باستانی جنوب ایران

راه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ارتباط بین مراکز استقرار و تمدنی بوده است. به دلیل موقعیت فلات ایران و موانع طبیعی شمال و جنوب آن (دریای مازندران، نواحی سرد سیری در شمال و خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند در جنوب) امکان ارتباط غرب و شرق در دنیای باستان فقط از محدوده‌ی خشکی‌ها امکان‌پذیر بوده است. شرایط ناهمواری‌ها و اقلیم سرزمین ایران ایجاب می‌نماید که در فصول مختلف این ارتباط استمرار داشته باشد. لذا، راه شرق-غرب در جنوب دریای خزر برای تمام فصول سال امکان‌پذیر نبوده است. از این نظر نیاز به راه جنوبی که بتواند سرزمین بین النهرین را به مشرق زمین و شرق دور از طریق شمال خلیج فارس متصل سازد مورد توجه بوده است. وجود آثار متعدد از دوران مختلف تاریخی در محدوده شمال خلیج فارس دلیلی بر وجود راه‌های ارتباطی و مواصلاتی است.

جاده‌ی شاهی یا شاهزاده باستانی که تخت جمشید را از طریق شوش به میان رودان و سرزمین لیدیه در آسیای صغیر ارتباط می‌داد، مهم‌ترین مسیر ارتباطی تمدن‌های غرب به سمت شرق بوده است (سپرو، ۱۳۵۰: ۳۳). این راه باستانی، تخت جمشید را به شوش وصل می‌کرد و از شوش از دو طریق به میان رودان ارتباط پیدا می‌کند. یکی راه شمال غربی که از شوش به سمت نواحی غربی کرمانشاه و سپس به شمال عراق فعلی و اربلا (اربل فعلی) امتداد می‌یافت و با جهت شرق به غرب به سارد پایتخت لیدی متصل می‌شد (مشکور، ۱۳۷۲: ۳۵). راه جنوبی نیز از حوزه هلیل رود به حوزه رود کرو از طریق زاگرس جنوبی به شوش مرتبط می‌شد. این جاده باستانی از شوش و در جهت غربی به سمت منطقه موسیان و دهلران امتداد می‌یافت و سپس به مراکز حکومتی سومر، اکد و بابل امتداد می‌یافت.

معمولاً راه‌های جدید بر روی راه‌های قدیمی و یا در مسیر و نزدیک آنها ایجاد شده است. از این رو، بیشتر راه‌های باستانی در دوران قبل از خود نیز مورد استفاده قرار گرفته است. مترجم کتاب تاریخ ایلام (پیرآمین، ۱۳۸۱) در مقدمه این کتاب نوشته است: شوش مرکز تلاقی دو تمدن مهم بوده است، که هریک در دیگری تأثیر بسیار داشته است. یکی تمدن‌های جلگه بین‌النهرین و دیگری تمدن‌های فلات ایران. ایلام در در فراز و نشیب تاریخ (حدود ۲۵ قرن)، کشوری ثروتمند و آباد و شوش یکی از چهار راه‌های ارتباطی دنیا ی باستان محسوب می شد. ساکنان این تمدن بزرگ با وسایل ارتباطی عصر خود وجاده‌های جنوبی در دامنه‌های غربی زاگرس با بین‌النهرین و آسیای صغیر و... در ارتباط بوده است.

بررسی اسناد و مدارک تاریخی نشان می دهد که شهرهای منطقه ی کرمان از طریق جاده‌های باستانی با مناطق آباد عصر خود در ارتباط بوده اند. در این رابطه دکتر عزیزاله بیات (۱۳۶۷) در کتاب کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخ ایران نوشته است: بم در مسیر جاده‌هایی که جنوب غربی ایران را با سیستان، افغانستان و بلوچستان مرتبط می کند قرار دارد. در بخش دیگری اشاره به شهر سیرجان شده است که بر سرراه فارس به کرمان واقع شده است. مارکوپولو تاجر ونیزی در سفر طولانی و معروف خود از شهر جیرفت به نام «کامادای» یاد کرده است، او به ویرانی کامل شهر اشاره دارد.

پیرآمین (۱۳۸۱) نوشته است: شوشی ها راه‌های خود را که از مراکز تجاری می گذشت امتداد و توسعه دادند... شوشی ها بدین ترتیب حداقل تا ایران مرکزی پیش رفتند و در این ناحیه مثلاً روی ویرانه‌های دهات قدیمی در تپه سیلک بناهایی ایجاد کردند. در متون سومری به سرزمین آراتا Arata اشاره شده است که پادشاهان سومر

پیک‌هایی به سرزمین آراتا فرستاده تا در زمینه‌ی مبادله کالا و مساعدت آراتا به سومریان برای از بین بردن مهاجمان با حاکمان این سرزمین مذاکره نمایند. مسیر عبور پیک‌های حاکمان سومر به سرزمین آراتا از شوش پایتخت ایلام و ایالت انشان بوده است. این موضوع نقش ارتباطی راه‌های مواصلاتی سومر-شوش-انشان به سمت آراتا را بیشتر مشخص می‌سازد.

گیرشمن نیز در مورد توجه پادشاهان پارتی نوشته است: «هرگز جاده‌ها مانند زمان پارتیان خوب نگهداری نمی‌شد؛ زیرا پادشاهان پارتی به انتظام مراقبت طرق و شوارع دقت بسیار مبذول می‌داشتند... خط سیرهایی که از بیابان‌ها می‌گذشت با چاه‌های آب و کاروانسراها مجهز بود.

در مدینه‌های کاروانی مانند "ندمر"، "دورا اربوس" و "هاترا" سراهایی برپا شده بود که در آن‌ها تجار گرد می‌آمدند.» (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۳۹). کلمان، هوار در مورد راه‌ها نوشته است: «... راه‌ها علاوه بر سبب برقراری مناسبات تجاری میان بلاد مختلف می‌شدند، سپاهیان مهاجم از آن‌ها می‌گذشتند و در سفرهای جنگی برای انتقال سپاهیان از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر از آن‌ها استفاده می‌کردند...» (هوار، ۱۳۶۳: ۱۰). روی هم رفته اکثر مورخان و سیاحان در آثار خود به راه‌های ارتباطی منطقه‌ی کرمان و هلیل رود به سمت غرب و بین النهرین اشاره نموده‌اند.

استقرارهای حوزه‌ی هلیل رود

استقرار در مناطق حوزه‌ی هلیل رود، دارای قدمتی طولانی است که در این مبحث به موقعیت آن در دوران پیش از تاریخ اشاره می‌شود. پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که ساکنان حوزه‌ی هلیل رود در جنوب شرقی ایران از هزاره‌ی نهم ق-م با گذر از دوره‌ی غارنشینی به دشت‌ها سرازیر شده و در دهکده‌های اولیه استقرار یافته‌اند. بررسی استخوان‌های به دست آمده از لایه‌های نوسنگی تل ابلیس

نشان می‌دهد که ساکنان این منطقه همراه با فعالیت‌های کشاورزی، امر دامداری و اهلی کردن دام را رواج داده‌اند. کشف داس سنگی در تپه یحیی و نمونه‌های مشابه آن در تل ابلیس تحول در فعالیت‌های کشاورزی در شرایط مساعدی برای دامداری بیشتر روشن می‌شود.

استمرار و ادامه‌ی تحولات دوره‌ی نوسنگی با پیدایش سفال در هزاره پنجم ق-م در حوزه‌ی هلیل رود و دشت جیرفت گسترده تمدن این منطقه را در عصر نوسنگی بیشتر روشن نموده است.

بررسی و مقایسه سفال‌های مکشوفه از تپه‌های حوزه‌ی هلیل رود با سفال‌های شوش ارتباط تمدن ساکنان کرمان را با حوزه‌ی جنوب غربی ایران نشان می‌دهد. تل ابلیس در سال ۱۹۳۱ به وسیله اوول اشتاین سیاح و باستان‌شناس انگلیسی مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال آن پروفیسور کلدول Caldeell در سال ۱۹۶۴ در این تپه باستانی به پژوهش پرداخته و آثار مهمی مربوط به دوران پیش از تاریخ کشف نموده است.

اعزام کارلوسکی سرپرست هیئت باستان‌شناسی دانشگاه هاروارد به جیرفت و به دنبال آن کشف تپه یحیی و هفت فصل حفاری و کاوش در این محوطه بخش عمده‌ای از تاریخ هزاره‌های پنجم تا سوم قبل از میلاد حوزه‌ی هلیل رود روشن شده است. نکته مهم در حفازی و کاوش‌های کارلوسکی در تپه یحیی کشف بازمانده یک شهر باستانی است که قدمت آن موجب شده تا در مورد این فرضیه که (آغازتمدن بشر به میان رودان اختصاص داشته است) تأمل بیشتر صورت پذیرد.

حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در چند دهه گذشته اطلاعات و دانش بیشتری در مورد محدوده تمدن ایلام باستان و سرزمین انشان ارائه داده است. به طوری که کشفیات باستان‌شناسی میان فارس و به دنبال آن یافته‌های باستان‌شناسان داخلی از

جمله کاوش‌های یوسف مجید زاده و میرعابدین کابلی در شهداد، تل ابلیس و تپه یحیی و نیز به استناد گل نبشته‌های سومری، سرزمین آراتا را در منطقه کرمان و حوزه ی هلیل رود معرفی نمود. بدیهی است این تلاش‌ها باید استمرار یابد تا با کشفیات جدید بتوان به اهداف مورد نظر در مورد موقعیت تمدنی سرزمین ارتا Arata در منطقه جنوب شرقی کشور دست یافت.

حوزه ی کرخه و دویرج

ساکنان غرب کرخه و حواشی رودخانه دویرج در موسیان دهلران خصوصاً تپه علی کش در هزاره هفتم ق-م دارای استقرار بوده و ظهور سفال در این منطقه به حدود ۶۰۰۰ ق-م می‌رسد که می‌توان تقارن و هم‌زمانی ساکنان علی کش را با حوزه ی هلیل رود مورد توجه و بررسی قرار داد.

با توجه به این که موسیان در مسیر ارتباطی تمدن‌های جنوبی ایران با تمدن‌های بین‌النهرین چون سومر، اکد و بابل قرار گرفته لذا بررسی ارتباط فرهنگی و تمدنی حوزه ی هلیل رود با تمدن‌های میان‌رودان خصوصاً سومریان بدون بررسی و شناخت بیشتر تمدن و فرهنگ ساکنان موسیان و دهلران ناقص خواهد بود. در این رابطه نکته دیگری قابل طرح است و آن این که از حوزه ی رودخانه‌های میمه و دویرج در محدوده ی موسیان و دهلران که باید به نام بین‌النهرین صغیر از آن یاد کرد آثار مهمی از گذشته برجای مانده که تقریباً تقارن آن با حوزه ی هلیل رود قابل تأمل است. ذکر یکی از رویدادهای تاریخی در مورد شهر منس در مسیر لشکرکشی اسکندر می‌تواند مورد توجه باشد.

اسکندر مقدونی پس از تصرف شهرهای کنار دریای مدیترانه و مصر به سمت شرق حرکت می‌کند و به شهرهای دمشق، حران و نصیبین می‌رسد. او از اریل روانه بابل شد و در بین راه به شهر منس Mennes رسید. در این شهر غاری بود که از دامنه آن

چشمه قیر جاری بود و بابل‌ها از آن برای اندود بام خانه‌های خود استفاده می‌کردند. از آن جایی که مسیر لشکرکشی اسکندر به سمت بابل از شرق رود دجله بوده است و شهر منس هم در این مسیر واقع شده بود لذا تلاش برای کشف و شناسایی این شهر باستانی بسیار با اهمیت خواهد بود. با توجه به این که شهر فعلی موسیان و تپه‌های پیش از تاریخ آن در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی دهلران قرار دارد و با نقشه مسیر لشکرکشی اسکندر به سمت بابل تطبیق می‌کند.

بنابراین احتمالاً بتوان مکان شهر منس باستان را در سایت‌های باستانی منطقه موسیان جستجو کرد (محمودیان، ۱۳۹۴: ۷۴). غار باستانی خفاش، چشمه‌ی روان قیرو محوطه‌های متعدد به هم پیوسته‌ی این منطقه در محدوده‌ی شهرستان دهلران و موسیان می‌تواند کلید واژه ورود به تحقیقات بیشتر برای مشخص کردن مکان شهر منس باستان قلمداد گردد. در گذشته از چشمه قیر استفاده شده است. رزم آرا هم به چشمه قیر اشاره داشته است (رزم آرا، ۱۳۱۸: ۲۹-۳۰).



چشمه قیر

هم زمانی و تقارن ساکنان موسیان با ساکنان حوزه‌ی هلیل رود و این که به نظر می‌رسد دهکده‌های اولیه در منطقه موسیان قبل از ساکنان سومر و بابل به کشاورزی و کشت دانه‌ها مبادرت ورزیده‌اند مسئله مهمی است که تحقیقات بیشتر را می‌طلبد. بنابراین وجود ارتباط بین موسیان و هلیل رود از طریق مراکز اقتصادی شوش به دلایل وجود مراکز متعدد استقرار و نیاز جاده‌های ارتباطی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده است. شاهراه باستانی تخت جمشید به شوش در دوران تاریخی (عصر هخامنشیان) وجود جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی در دوره‌های ماقبل را نشان می‌دهد. به هر حال هدف از بیان این مطلب هدایت پژوهشگران به سمت تلاش علمی در این عرصه بوده است.

خلاصه

استان کرمان خصوصاً حوزه‌ی رودخانه هلیل رود با توجه به یافته‌های پژوهشی باستان‌شناسی از مراکز عمده تمدنی فلات ایران است و استقرار در این منطقه به اوایل دوره‌ی نوسنگی بر می‌گردد، گسترده‌گی شواهد و آثار فرهنگی موجود در محوطه‌ها و تپه‌های باستانی شهداد، تپه یحیی، تل ابلیس، جیرفت و حوزه‌ی رودخانه هلیل رود نشانگر اهمیت و عظمت فرهنگ و تمدن این دیار در اعصار باستانی است. این سؤال مطرح می‌باشد که آیا محدوده‌ی استان کرمان خصوصاً حوزه‌ی هلیل رود، شهداد و جیرفت می‌تواند سرزمین تمدن آراتای باستان باشد؟

فعالیت‌های گسترده باستان‌شناسی در منطقه‌ی شهداد و جیرفت توانسته است سرخ‌های اولیه را برای شناسایی موقعیت سرزمین آراتا پیدا نماید. یافته‌های باستان‌شناسان در ملیان فارس منسوب به ایلام باستان و به دنبال آن تلاش‌های علمی باستان‌شناسان داخلی از جمله دکتر یوسف مجیدزاده و میرعابدین کابلی اطلاعات جدیدی در این رابطه ارائه گردیده که با استناد به گل‌نبشته‌های سومری در مورد تمدن سرزمین آراتا

در محدوده کرمان فصل جدیدی را در تاریخ باستانی این سرزمین ورق زده است. بدیهی است این تلاش ها باید استمرار یابد تا با کشفیات جدید بتوان به اهداف مورد نظر در مورد موقعیت تمدن سرزمین آراتا در منطقه جنوب شرقی کشور دست یافت. در این نوشتار در زمینه راه ها و معابر باستانی حوزه ی جنوبی ایران در شمال خلیج فارس اطلاعاتی ارائه شد که هدف عمده این فعالیت ها شناخت تمدن های مسیر ارتباطی حوزه ی هلیل رود تا حوزه ی رودهای کرخه و دویرج در منطقه ی موسیان و دهلران و به سمت تمدن های بین النهرین بوده است. به نظر می رسد هم زمانی استقرار ساکنان موسیان و دهلران در حوزه ی رودخانه کرخه و دویرج با ساکنان حوزه ی هلیل رود نکته مهمی باشد که توجه به آن قابل تأمل است، از جهتی دیگر ارتباط تمدن های کرمان و هلیل رود با تمدن های بین النهرین بدون مطالعه و بررسی تمدن موسیان که دروازه ی ارتباط با بین النهرین به حساب می آید، ناقص خواهد بود. از این رو، مسئله ی راه های ارتباطی منطقه، بررسی شواهد فرهنگی آثار مناطق یاد شده و استمرار پژوهش های باستان شناسی می تواند در تحقق اهداف مورد نظر مؤثر باشد.

منابع

- ۱- آمیه، پیر، ۱۳۸۱، تاریخ عیلام، ترجمه دکتر شیرین بیانی، دانشگاه تهران
- ۲- بیات، عزیزاله، ۱۳۶۷، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، امیرکبیر
- ۳- راینسون، چارلز الگزاندرو، ۱۳۷۰، تاریخ باستان، ترجمه دکتر اسماعیل دولت شاهی، انتشارات و آموزش انقلاب فرهنگی.
- ۴- رزم آرا، علی (۱۳۱۸). جغرافیای نظامی پشتکوه، تهران.
- ۵- سیرو، ماکسیم (۱۳۵۰). کاروانسراهای ایران و ساختمان های میان راهی، انتشارات حفاظت آثار باستانی،

- ۶- کامبخش فرد، سیف‌اله (۱۳۷۴). معبد آناهیتا کنگاور، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ۷- گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). ایران از آغاز تا اسلام ترجمه‌ی محمد معین، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- مالووان، م.ا.ل، ۱۳۷۲، بین‌النهرین و ایران باستان، ترجمه رضا مستوفی، دانشگاه تهران
- ۹- ماهری، محمودرضا، ۱۳۷۹، تمدن‌های نخستین کرمان، مرکز کرمان‌شناسی
- ۱۰- مجید زاده، یوسف، ۱۳۷۰، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی
- ۱۱- محمودیان، حبیب‌اله، ۱۳۷۷ راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، سبز رویش
- ۱۲- محمودیان، حبیب‌اله، مقاله، ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین‌النهرین، فرهنگ ایلام
- ۱۳- محمودیان، حبیب‌اله، ۱۳۹۴، جاده‌ها و ایلم راه‌های باستان، نشر زاگرو. ایلام
- ۱۴- ملک‌شهمیرزادی، صادق، ۱۳۷۳، مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، محیا
- ۱۵- هوار، کلمان (۱۳۶۳). ایران و تمدن ایرانی، ترجمه‌ی حسن انوشه، چاپ اول. تهران: امیرکبیر
- ۱۶- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۲). تاریخ ایران زمین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اشراقی.
- ۱۷- گزارش پژوهش‌های باستان‌شناسی

لالایی‌ها با صدای مادران ایلامی

دکتر زهرا فتحی^{۱۲}

چکیده

ادبیات چونان دریای مواجی است که امواج پرخروش آن حاصل عقل و درایت، تب و تاب و شور و هیجانی است که از سینه‌های مردمان هر فرهنگی بیرون می‌آید، هر چه این امواج به روح بی‌آلایش و پاک او نزدیکتر، ادبیات ناب‌تر؛ یکی از مصادیق این ادبیات ناب، ادبیات عامیانه است، که خاستگاه آن دامن توده‌ای از مردمان است که بی‌آنکه در مدرسی خود خواسته بیاموزند در جاری فرهنگ جامعه بار گرفته‌اند و پرورانده‌اند، از این رو «ادبیات عوام ساده و بی‌پیرایه است چون زندگی عوام چنین است، مردم عادی از هنگام سخن گفتن جز بیان مطلب غرضی ندارند، لذا به کلمات پیچیده و مغلق نیاز ندارند و افسانه‌ها و ترانه‌های آنان نیز نمی‌تواند ساده نباشد؛ دیگر آنکه در صورت پیچیدگی، قدرت انتقال زبانی و شفاهی خود را از دست می‌دهد چون اگر ساده نباشد، عامه نمی‌توانند آن را تکرار کنند، حفظ کنند، به خاطر بسپارند و بازگو کنند» (۱). در این‌جا نوشتار تلاش شده تا لالایی‌های مادران ایلامی را که ریشه در ادبیات عامیانه این سرزمین کهنسال دارد، معرفی شود.

واژگان کلیدی: لالایی، ادبیات عامیانه، افسانه‌ها، الهه‌ایشتار، ایزد بانو

مقدمه: سنگ بنای بسیاری از شاهکارهای بشر از هنر و ادبیات توده فراهم آمده است، بخصوص ادبیات و هنرهای زیبا و فلسفه و ادیان، مستقیماً این سرچشمه سیرا شده و هنوز هم می‌شوند. این سرچشمه افکار توده که نسل‌های پیاپی همه، اندیشه‌های گرانها و عواطف و نتایج فکر و ذوق و آزمایش خود را در آن ریخته‌اند، گنجینه زوال‌ناپذیری است که شالوده آثار معنوی و کاخ باشکوه زیبائی‌های بشریت به شمار

^{۱۲} - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

می‌آید، ترانه‌های عامیانه و آوازاها و افسانه‌ها نماینده روح هنری ملت می‌باشد و فقط از مردمان گمنان بی‌سواد بدست می‌آید. اینها صدای درون هر ملتی است که سرچشمه الهامات بشر و مادر ادبیات و هنرهای زیبا نیز به شمار می‌آید (۲). این نوع از ادبیات در یک نگاه «کلی مثبت است، خوشبین است و امیدوارو دلپذیر است» (۳) اما این بدان معنا نیست که در بطن خود روایتگر دردها و آلام نهفته در جاناش نباشد؛ ادبیات عامه، در داستان‌ها، آوازاها و بازی‌ها با به خدمت گرفتن عنصری به نام خیال، در صدد بدست آوردن چیزهایی بر می‌آید که از آن محروم بوده و خود را لایق بدست آوردن آنها می‌پندارد، لذا این فعل و انفعال ذهنی که نمودی بیرونی و یا عملی می‌یابد، به تعادل و آرامش روحی او منجر می‌شود و آرزوهای او هر چند جامه حقیقت نمی‌پوشند اما به جامه افسانه و خیال ملیس می‌شوند، با توجه به این مسئله می‌توان گفت: «ادبیات عامه عکس‌العملی است که انسان در برابر ناتوانی‌های خویش بروز می‌دهد».

با توضیحاتی که آمد می‌توان دو عنصر خیال و واقعیت را که در تار و پود ادبیات عامه خودنمایی می‌کنند، تشخیص داد از این رو در ساختار، ادبیات عامه «بر دو اصل واقعگرایی و خیال‌پردازی نهاده شده است» (۴). و یکی از جایگاه‌هایی که همنشینی این دو عنصر اساسی، دست به آفرینش ناب‌ترین نوع ادبیات می‌زند، لالایی‌هاست.

لالایی‌ها

واژه‌ی «لالا» به معنی غلام و بنده و خدمتکار و شکل تحریف شده‌ی آن «لله» به پیرمردی که مربی و خدمتگزار بزرگ‌زادگان است اطلاق می‌گردد. (۵) دهخدا در لغت‌نامه آورده است: «مربی مرد طفل ... چنانکه خدمتکار قدیم و پیر از کنیزان را دادا گویند و لالایی ترانه‌ای بود که لالاها و لله‌ها برای خواباندن طفل به کار برده و واژه لالا به معنی خفتن در زبان اطفال نیز باید از همین جا گرفته شده باشد» (۶) در واژه

نامه‌ها، واژه‌ی «بنگره» به معنای «لالایی» آمده است، برهان قاطع بنگره را زمزمه‌ای می‌داند که زنان به هنگام خوابانیدن کودک می‌خوانند و در لغت نامه دهخدا علاوه بر ذکر همان معنا آمده است: «زنان در محل خفتن کودک گویند تا به خواب روند و آن را «نانو» گویند». (۷)

ریشه این واژه از بانگ می‌آید که در پهلوی «ونگ» Vang به معنای صدا، آواز و بند bend به معنای حبس و بند؛ به این ترتیب بنگره یعنی بانگ بند، ناله بند یا ناله خاموش کن (۸). ناصر خسرو این واژه را به همین معنی به کار برده است:

خوابت همی ببرد و من انگشت از آن زدم پیش تو بر کناره خوشبانگ با تره
تو خفته‌ای خوش‌ای پسر و چرخ روز و شب همواره می‌کنند به بالنت بانگره (۹)
«نانو» نیز که هم معنای بنگره و لالایی است، کهن‌تر از لالایی است. نانو همان «نو» به معنای جای خواب کودکان است. ریشه این واژه نیز به «نانا» یا ایزدبانو و الهه ایشتر می‌رسد که در اساطیر سومری ایزدماه بوده است و پس از رخنه اساطیر عبری به ایزدبانو تبدیل شده است.

(۱۰) و اما نانو چگونه به لالایی تبدیل شده است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت «بنگره» حالت همگانی تری از لالایی دارد و هر نوع آواز و ترانه و یا بانگی که برای خواباندن کودک به کار می‌رفته را می‌گرفته است و پیش از پیدایش لالای از شکل‌های کلی تری به نام «بنگره» و «نانو» استفاده می‌شده است. دیگر اینکه «لالایی‌ها» ابتدای لالایی‌ها بیش از آنکه بخواهد، واژه – آوایی فارسی باشد، یک واژه آوایی فراگیر است که در زبان‌های دیگر هم کم و بیش وجود دارد. (۱۱)

با توجه به تعریفی که از بنگره و لالایی شد، نمونه‌ای از بنگره‌ها که ترانه‌هایی غیر از لالای بوده‌اند چنین است:

گیلان گیلان یر جنبون

ای قهوه بی تنبون

گریه کنه به من چه

زاری کنه به من چه

ای قهوه بی جنبون

بگذار نونو بجنبون

حالای می میره به من چه

نمی میره به من چه (۱۲)

و اما، لالایی‌ها از بدوی‌ترین آثار موسیقی جهان هستند و گاه فقط شکل صورت دارند، در گویش لری، آوایی «ال ل ل» لالایی کودکان است. مادر یا کسی که کودک را می‌خواباند و با او پیوند مهرآمیز دارد، تنها با همین آوای بی‌کلام بچه را به دنیای خواب می‌برد؛ معمولاً در آغاز، مادر اندکی با کودک سخن می‌گوید و سپس آوای «لالای» را که کارکردی موسیقایی دارد، تکرار می‌کند. لالایی در فارسی و در زبان‌های دیگر به شکل هجاهای مکرر و دوتایی، لالا، لالای، لولو، لی لانی لا، نانا، بوبو، دودو و... به کار می‌رود.

لالایی بسته به حالت کودک ابتدا با صدای بلند آغاز می‌شود رفته رفته صدا پائین می‌آید و با خوابانیدن کودک لالایی به پایان می‌رسد. (۱۳) هنگامی که مادر فرزندش را می‌خواباند، در حقیقت می‌خواهد یکی از حواس او را از کار بیاندازد می‌خواهد چشم‌ها کودک بسته شوند تا به خواب رود اما کودک برای اینکه با آرامش خاطر چشم‌هایش را ببندد، باید از حضور مادر یعنی نماد تمام امیدها در کنار خود اطمینان

یابد، مادر با خواندن لالایی حضور خود را به فرزند می‌فهماند و از او می‌خواهد که چشمهایش را ببندد و تنها با شنیدن صدای مادر، بودن او را در کنار خود احساس کند. در حقیقت لالایی نشانه‌ای است که مادر با آن به فرزندش می‌گوید، نگران نباش، صدا مرا بشنو و چشم‌هایت را ببند و آرام بخواب (۱۴).

لالا لالا گل پشته / باباش بار سفر بسته / لالا لالا گل خشخاش / باباش رفته خدا همراهش
لالا لالا گل زیره / بچه‌م آروم نمی‌گیره / لالا لالا گل آلو / بچه‌م مستست و خواب
آلو. لالا لالا گل لاله / پلنگ در کوه می‌ناله.

حرکت گهواره و یا ننو، به همراه آوای اندوهگین و گوش نواز و عاشقانه مادر که از همه وجودش برمی‌خیزد، آرامشی ناگفتنی به کودک می‌بخشد. لالایی، آهنگ مهربان، نرم و آرام بخش دارد. و پیامی است که مادر به همراه امواج نادیدنی به طور مستقیم و بدون دخالت دیگران برای فرزند خود می‌فرستد، این پیام بر تن و جان کودک می‌نشیند و ارتباطی حسی و بیان نکردنی با کودک برقرار می‌کند. کودک با گوش سپردن به لالایی‌ها، نخستین آگاهی‌ها و دانستنی‌ها را درباره محیط پیرامون و زندگی با بیان مهربان و گرم مادر می‌آموزد و کم‌کم با رنگ‌ها، آواها، پدیده‌ها و آدم‌ها خو می‌گیرد و به این ترتیب کودک چگونگی بیان واژگان و آهنگ موسیقایی زبان مادری را به آگاهی می‌سپارد و کام و زبان او نیز رشد می‌کند و پرورش می‌یابد. (۱۵)

درونمایه لالایی‌ها

لالایی‌ها، واژگانی ساده‌اند که گاه کنار هم قرار گرفتشان به دور از اصول و قواعد شعر سنتی است که این ویژگی نه تنها عیب محسوب نمی‌شود بلکه نشانه‌ای آن است که توجه به سادگی احساس مطرح است نه طرح اندیشه‌ها یا صنعتگری (۱۶)؛ اگر چه ساختار صوری و معنوی لالایی‌ها با سادگی عجین گشته است اما در لابه‌لای آن

می‌توان افکار و اندیشه‌های ژرفی را کشف نمود. مادری که زبان به لالایی می‌گشاید، گاه کودک خود را با مظاهر زیبای طبیعت همانند می‌شمارد و گاه از جور دنیا شکوه و شکایت می‌کند، مادر فرزند را به آنچه خود می‌خواهد و به آن نرسیده است، می‌رساند و به یاری او داغ دل از دنیای پرنیرنگ می‌ستاند:

لالا لالا گل نارم/ تسلائی دل زارم/ لالا لالا گل باغم

لالا لالا تورا دارم/ چرا از بی کسی نالم/ توهستی مرهم داغم دارد. او حالا به تنها چیزی که متعلق به خویش می‌داند و در برابر خویش داد دل خوش ساخته و از وجودش لذت می‌برد و با او جای خالی همه دست نیافته‌ها و آوازه‌ها را پر می‌کند. دورنمای لالایی‌ها روشن و بی‌پیرایه است. آنها از دنیای ذهنی مادران تأثیر بسیار پذیرفته‌اند. اصلی‌ترین دورنمایه در لالایی‌ها، آرزوهای مادر و دایه درباره نیکبختی کودک و مهرورزی به اوست:

لالا لالا عزیز ترمه پوشم/ کجا بردی کلید عقل و هوشم/ لالا لالا که بی بلا بی/ خودت ملا قلمدونت طلا بی/ لالا لالا گلم باشی/ عزیز و بلبلم باشی/ توشب‌ها در برم باشی/ عزیز و دلبرم باشی. با نگاهی کلی به لالایی‌ها که در فرهنگ و ادب عامیانه ایران زمین شکل گرفته است، با مضامین مشترک فراوانی به چشم می‌خورد که در زبان‌های مختلف به صورت‌های گوناگون نمود یافته‌اند تعدادی از این مضامین عبارتند از:

۱- **محبت مادر:** که با انواع تشبیهات و استعارات همراه بوده است. با این مضمون مادر آمال و آرزوها و نگرانی‌های خود را ابراز می‌نموده است.

۲- **طبیعت و محیط زندگی:** موضوع لالایی، دستمایه‌ی پرداختن مادر به پیرامون کودک بوده است.

۳- مسائل اجتماعی و اقتصادی: این مضمون واگویی نابسامانی‌هاست که مادر در با خود می‌کند قالب لالایی و حضور کودک در کنارش، تسلی‌خاطری است.

۴- بیان مسائل زنان

۵- مذهب: با این مضمون از همان ابتدا کودک با بیکرانگی و ازلیت پیوند می‌خورد.

۶- اشاره‌های تاریخی

لالایی‌های بامعنی مادران ایلامی

Lăŭia Lăăge لاو لاوگ

Lăŭia Bekam ară koragam لاوبکم‌اره کرگم

Da delo da giyăn ددل دگیان

Har ka nüre ke هرکه نورکه

Lăl Bū da zūăn لال بودزوان

فرهنگ عامیانه کردی یکی از منابع بسیار غنی ادب کودکان است. از ترانه‌های مردمی کردی که هر مادر کردی آن را از بر دارد و با آوازی دلنشین برای کودکان زمزمه می‌کند، لالایی‌هاست.

مادران ایلامی که شاعران گمنام قله‌های مه‌آلودند. (۱۷)، با زمزمه‌های لطیف و عاشقانه خود سالیان سال است که گهواره جنبان کودکان این مرزو و بومند و هنوز که هنوز است اگر پای صحبت یکی از آنان بنشینی با نوایی آمیخته به اکسیر محبت زمزمه می‌کند: لاو لاوگ لاوم برباره... این نوشتار، برآن است تا تعدادی از این نواهای آرامبخش را که نام لالایی به خود گرفته‌اند، بر اساس آنچه پیش از این با عنوان مضامین مشترک لالایی‌ها آید، ارائه کند و برای پرهیز از ارتکاب به خطا و لغزش در ایرادی آنها به زبان اصیل کردی، ترجمه فارسی آنها بیان می‌گردد و امید آن دارد تا در آینده‌ای نزدیک تمامی لالایی‌های این منطقه را به رشته تحریر درآورد.

مضامین بکار رفته در این لالایی‌ها، گسترده‌تر از آن است که در این مجال مختصر، آید به همین دلیل سعی بر آن است که مضامین پرکاربرد، با بسامدی بالا، ذکر شود و دیگر مضامین به فرصتی دیگر وا نهاده شود.

مضامین لالایی‌های ایلام

۱- **محبت مادر:** دورنمایه مهر و محبت و ابراز عواطف مادرانه بیشترین حجم لالایی‌های ایلام را به خود اختصاص می‌دهد در این نوع از لالایی‌ها مادر از صمیم قلب در آرزوی سلامتی و خوشبختی فرزند خویش است و حتی از فدای جان‌ش نیز مضایقه نمی‌کند. انبوهی از تصاویر شاعرانه اعم از تشبیه و استعاره و اغراق و کنایه و... اشعار را در بر می‌گیرد و به مادر کمک می‌کند تا راوی احساسات تابش باشد و اما نمونه‌ای از این لالایی‌ها.

لالایی برایت می‌گویم/ تمام مال و دارایی خودم را فدایت می‌کنم/ زمانی که تو کوچک هستی و شیر و مادرت را می‌نوشی.
لالایی برایت می‌گویم/ خدا خودش می‌داند که تورو شنایی چشمان من هستی/ و مانند شعله‌ی چراغ ذهن مرا روشن می‌کنی.

لالایی برایت می‌گویم/ فرزندم در خواب ناز خوابیده/ و بالش زیر سرش از پرغاز است. لالایی برایت می‌گویم/ فرزندم خوابیده، خودش گله است/ و بالش زیر سرش از پر بلبل است. لالایی می‌گویم/ که تا بچه‌ام بزرگ شود/ پایش را ببوسم و برای پسرکم عروس بیاورم.

لالا لالا قد تو بلند است، به تو نمی‌رسم/ با نردبانی مرا به خودت برسان.

لالا برایت می‌گویم/ در داخل چشمم جایی برایت پیدا می‌کنم.

لالا لالا تو خودت گل هستی، گل را می‌خواهم چه کنم/ مردم در انتظار دیدن گل روی تو هستند.

لالا لالا تو به جای مال و دارایی، گنجینه زندگی من هستی / همانند طلای قیمتی که در داخل آن نگین‌های زیادی قرار دارد. خودم برایت لالایی می‌خوانم / دندان‌هایت همانند مروارید و موی سرت چون نخ ابریشم است.

خودم برایت لالایی می‌خوانم تا خوابت شیرین باشد / و بالش زیر سرت از پرقو باشد. همانگونه که روشن است، نحوه بیان اولیه بند لالایی، به یک شکل خاص نیست و به اشکال مختلف آمده است.

۲- طبیعت و محیط زندگی: این مضمون اگر چه در بیان آوازه‌های محبت‌آمیز مادر نقش اساسی دارد و می‌تواند در حوزه مضامین گروه نخست قرار گیرد، اما در تعدادی از لالایی‌ها، با توجه به عناصر طبیعت و محیط اطراف کودک بیشتر نمود پیدا می‌کند، از جمله در این لالایی‌ها:

لالایی می‌گویم / خانه مان به طرف مناطق گرمسیر کوچ کرد / آب آن منطقه شور و هواش گرم است.

لالایی برای می‌گویم / اگر می‌خواهی آهو شکار کنی / آهو به مهران رفته / رفته به مرز عراق و ایران.

لالا فرزندم / ای خروس بال‌هایت را می‌شکنم / که دخترم از صدای تو نمی‌خوابد.

۳- توجه به عنصر جنسیت: بیشترین حجم لالایی‌ها در استان ایلام به جنس مذکر اختصاص دارد. و تعدادی از لالایی‌ها نیز با ذکر واژه‌ی «روله» مشترک میان دختران و پسران است. مادرانی که نوازشگر کودکانشان در دامان گهواره بوده‌اند در راستای پیوند عاطفی که با خانواده داشته‌اند از یکی از نزدیکترین بستگان خود یعنی «برادر» یاد کرده که دایی فرزندان‌شان بوده‌اند.

لالایی برای پسر عزیزم می‌گویم / گوشواره طلایی بر گوش دارد / در سایه‌ی جلوی خانه نشسته / بره‌ای در آغوش دارد.

لالا لالایی / پسر م خوابش می آید/ خوابش شیرین است/ و بالش زیر سرش از پر گل است.

لالایی می گویم/ پسر م از راه دور آمده/ با قد و بالای بلند/ به دنبال عرووش می رود. لالایی برای می گویم/ دختر م بالای کوه بابا یال است/ دایی با سوار از کنارش گذشت.

دائی ات آهوی هفت ساله (بزرگ شکار کرده)/ امام رضا خودش به دست هایش نیرو دهد.

لالایی می گویم/ شب مهتابی است/ روزگار من مانند بهار می گذرد/ چون در گهواره من پسر کوچکم خوابیده/ و برادرم میهمان است.

۴- بیان نموده‌های مذهبی: اعتقادات عمیق مادران در لالایی‌ها ناخودآگاه تجلی می یابد، مدد خواستن از خدا و توکل به او و دست به دامان ائمه شدن خصوصاً امام رضا(ع) از تصاویر برجسته مذهبی به شمار می رود.

لالایی برایت می گویم/ خدا خودش می داند که تو همانند ذرات نور الهی هستی/ و مانند برفی که بر قله کوه نشسته است بالای کوه‌ها قرار دارند (در دسترس همه نیستی) لالا لالا یا امام رضا خودت به فریادم رس/ به فریادم برس که در مانده و بی کس هستم. لالایی می گویم یا امام رضا/ شما که در مقام بلندی هستی/ نگذار پسر م مریض شود. لالایی می گویم ای امام رضا غریب خراسان/ حسین را سهل و آسان بزرگ کن. لالایی فرزندم، دختر م عزیز است/ زیارت کننده ای عزیز/ که دستش به بارگاه حاجی بختیار است.

۵- لالایی با مضامینی دیگر: از جمله مضامین دیگری که در این منطقه دیده می شود، توجه به حیواناتی است که چه به لحاظ شکار و چه به لحاظ کارایی در اقتصاد خانواده مهم به شمار می روند، به تعدادی از این لالایی‌ها که در موارد پیشین اشاره شد که در آنها «آهو»

یکی از حیواناتی است که به لحاظ شکار مورد توجه و اهمیت می باشد و اما در لالایی دیگری گاو مهم به شمار آمده است:

لالایی برایت می گویم / هر کس پسر من را با محبت صدا بزند / گاوش در وقت درو نمیرد.

نتیجه

و اما حاصل سخن آن که لالایی ها به عنوان اولین موسیقی، اولین کلام و اولین شکل ادبیات، شاخه ای مهم از درخت تنومند ادبیات عامه به شمار می رود. برای خوشه چینی از این درخت پر برگ و بار، استان ایلام به عنوان یکی از مناطق هنر پرور و اصیل فرهنگی دستمایه قرار گرفت و گوشه هایی از لالایی های آن نقل گردید و این نتیجه حاصل آمد که به لحاظ ساختار و نوع بیان لالایی ها این منطقه با توجه به گویش محلی با دیگر مناطق تفاوت دارد و به لحاظ محتوا و دورنمای عناصر متعددی در آن نقش دارند بیشترین حجم این عناصر را محبت و عواطف مادرانه تشکیل می دهد که در نوع خود منحصر به فرد و ناب می باشد. توجه به عناصر طبیعت، جنسیت و مذهب در مراتب بعدی قرار می گیرند.

پی نوشت ها

۱. سیدابراهیم عمرانی، برداشتی از لالایی های ایران، تهران، انتشارت پیوند نو، ۱۳۸۱، ص ۱۸.
۲. صادق هدایت، فلک لر یا فرهنگ توده (نمونه ها و دستور جمع آوری و تدوین آن، سخن (۲)، ص ۱۸۰.
۳. امیرحسین آریانپور، جامعه شناسی هنر، تهران، انجمن کتاب دانشکده هنرهای زیبا، ص ۹۳.
۴. سیدابراهیم عمرانی، برداشتی از لالایی های ایران، ص ۱۸.
۵. علی بلوکباشی، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک.

۶. فرهنگ دهخدا، حرف «ل».
۷. همان، ذیل «نانو».
۸. جمشید سروش سروشیان، فرهنگ بهدیان، ذیل بن.
۹. ناصر خسرو، دیوان اشعار ناصر خسرو، به اهتمام و تصحیح مجتبی مینوی، تهران، دنیای کتاب ۱۳۶۷، ص ۳۸۴.
۱۰. سیموئیل هنری هوک، اساطیر خاورمیانه، مترجمان علی اصغر بهرامی، فرنگیس مزادپور، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۱.
۱۱. محمد هادی محمدی، زهره قاینی، تاریخ ادبیات کودکان ایران، ج اول، ادیان شفاهی و دوران باستان، تهران، نشر چیستا، ۱۳۸۰، ص ۲۷.
۱۲. علی میرنیا، فرهنگ مردم (فولکلور ایران)، تهران، پارسا، ۱۳۶۹، ص ۴۸۰.
۱۳. تاریخ ادبیات کودکان ایران، ص ۲۹.
۱۴. قدمعلی سرامی، جستاری درباره لالایی ها، پویش، بهار ۱۳۶۸، ص ۴۹.
۱۵. ابوالقاسم انجوی شیرازی، محمود ظریفیان، گذری و نظری ... در فرهنگ مردم، تهران، اسپرک، صص ۳۲-۳۴.
۱۶. بنفشه حجازی، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی ها و جنبه ها، تهران، انتشارات روشنفکران، چاپ دوم ۱۳۷۷.
۱۷. این عبارت ترکیبی از عنوان کتاب ظاهر سارایی که «شاعر قله های مه آلود» می باشد گرفته شده است.

دلایل پایداری معماری اسلامی با تکیه بر مساجد و خلافت معمار

مهندس زینب لطفی^{۱۳} مهندس آزاده محمودیان^{۱۴}

چکیده

یکی از شاخص‌های هنر معماری، میزان سطح پایداری و ماندگاری آن در دوره‌های تاریخی است. معماری اسلامی یکی از شاخه‌های معماری است که با بهره‌گیری از الگوهای معماری پیش از اسلام ایران در بین کشورهای اسلامی به خصوص در ایران رواج پیدا کرده و توانسته نقش مهمی در پویایی معماری ایرانی ایفا نماید. تکیه معماران در معماری اسلامی، بر طراحی اماکن مذهبی و به ویژه معماری مساجد بوده است. معماری مساجد در برگیرنده‌ی تلفیق نبوغ و هنرمندی معماران و استنباط و دریافت آنان از مولفه‌ها و شالوده‌های مطرح در دین اسلام است که کاربست آن را در طراحی نقوش، رنگ‌ها، ساحت مسجد، مقرنس‌ها و طاق‌ها، ایوان و مناره‌ها و... می‌توان دریافت. پایداری و ماندگاری آثاری چون: مسجد امام اصفهان، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد آقا بزرگ و... حاصل فکر و اندیشه و مهارت معماران هنرمند ایرانی بوده است. در این مقاله تلاش شده تا یافته‌های حاصل از مطالعات انجام شده در این عرصه ارائه شود.

واژگان کلیدی: مسجد، معماری اسلامی، مقرنس‌ها، پایداری، بادگیر

مقدمه: یکی از مهمترین و برجسته‌ترین ویژگی معماری ایرانی اسلامی، پایداری و ماندگاری آن در دوران مختلف تاریخی است. معماری ایرانی توانسته با استفاده از هنر و سلیقه هنرمندان معمار و با بهره‌گیری از تجربیات

^{۱۳} - دانش آموخته مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

^{۱۴} دانش آموخته مهندسی معماری، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ایلام

ارزشمند هنرو تمدن ایرانی، آثار بزرگی به یادگار بگذارند... معماری بناهایی نظیر تخت جمشید، شهر سوخته، کتیبه‌ها و برج‌ها و باروهای متعدد در مناطق کشور گویای این مطلب است. ظهور اسلام و ترویج آن در سرزمین‌های اسلامی به ویژه در ایران توانست نقش مهمی در تغییر باورها و نگرش‌های عموم مردم و از جمله معماران و هنرمندان این عرصه داشته باشد. چرا که نمادها، درونداد و ماهیت این دین که آمیزه‌ای از اخلاق و سلوک روحانی است برای بسیاری از مردم پرکننده خلاءهای جدی در زندگی خود بوده است. (حسینی نجومی، ۱۳۸۸: ۱۴)

معماری اسلامی

معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌دهد. این امر به عنوان اندیشه زیبایی‌شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می‌یابد. معماران ایرانی با درایت و تدبیر هنرمندانه خویش توانستند معماری اسلامی را رونق بخشند. از مهمترین خصایص هنر معماری ایرانی اسلامی دارابودن هویت و ویژگی‌های مشخصی است که می‌توان به واسطه‌ی آن به سبک هنر معماری پی برد. این هویت معنا بخش سبک معماری است که توانسته در گیرایی و پایداری هنر معماری نقش ارزنده‌ای داشته باشد.

در هنر معماری ایرانی اسلامی، بیشتر از آیات قرآن به عنوان برجسته‌ترین ابداعات هنر اسلامی استفاده می‌شد. نوشته‌هایی از آیات قرآن بر روی سقف‌ها، دیوارها و یا ستون‌ها استفاده و به شکل خاص تزئین می‌شد. از برجسته‌ترین و قدیمی‌ترین خطوط زیبایی که با هنر معماری اسلامی تزئین

شده داخل قبه الصخره است که آیات قرآن با خط کوفی نوشته و با سبک موزاییک تزئین شده است (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۲).

عناصر تشکیل‌دهنده معماری اسلامی

سازه‌های معماری اسلامی (بنای مذهبی، مانند مسجد و مدرسه و غیر مذهبی، مانند کاروانسرا و کاخ) از فضاهای گوناگون تشکیل می‌شود و گاهی نیز ممکن است فضای تازه به صورت الحاقی به بناهای دیگر اضافه شود؛ مثلاً مناره یا منار در مسجد و مدرسه که جزیی از بناست و به طور مجزا هم کاربرد دارد.

بادگیر: معماران و استادکاران ایرانی با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناطق گوناگون ایران شیوه‌های معماری را در شهرهای مختلف توسعه بخشیدند؛ بادگیر یکی از اجزای مهم بناها در نواحی گرم و خشک ایران بوده است. هر بادگیر شامل برج‌های تهویه بر فراز ساختمان است. در بالای هر برج یک رشته دهانه‌های عمودی وجود دارد که در مقابل وزش باد قرار گرفته و برای گرفتن نسیم و هدایت آن به اتاق همکف یا زیرزمین که رطوبت را از یک حوض آب اخذ می‌کند، تعبیه شده است.

در شهرهای کویری ایران مانند کاشان، یزد و کرمان از بادگیر در بناهای مختلف به نحوه مطلوب استفاده شده است. در بعضی بناها حتی چندین بادگیر ساخته شده است. نوعی دیگری از بادگیر وجود دارد که در مناطق گرم و مرطوب جنوب کشور استفاده می‌شود و فرق عمده‌ای که با بادگیرهای مناطق گرم و خشک دارد این است که بادگیر در منطقه مرطوب فقط کار خو را از طریق جابجایی هوا انجام می‌دهد. یعنی اینکه دیگر مثل بادگیرهای منطقه گرم و خشک در پایین بادگیر فاقد حوض می‌باشد.

دلایل استفاده از حوض آب در بنای باد گیرها

- ۱- رطوبت ساختمان را در آن منطقه مهیا سازد ؛
- ۲- گرد و غباری که با هوا وارد می شود، نیز به طریق حوض بر طرف می شود.
- ۳- زمانی که جریان باد برقرار نیست به عنوان دودکش عمل می کند و هوای گرم داخل خانه را به بیرون هدایت می کند.

پله در سازه های معماری اسلامی

پله در معماری کاربردهای سودمندی دارد. راه پله‌های مارپیچ داخل مناره‌ها و پله‌هایی که به بام‌ها و فضاها و داخلی و خارجی بنا و به پاشیرهای سرایشی آب انبارها منتهی می شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هم چنین پله‌ها، راه‌های ارتباطی مفید به طبقات بالا یا پشت بام به شمار می‌روند. در بعضی از بناها پله‌ها علاوه بر کاربرد ارتباطی، وسیله‌ی سبک کردن حجم‌های ساختمانی نیز هستند (مانند بنای تایباد خراسان و مدرسه غیاثیه خرگرد که دارای هشت پله است). مصالح ساختمانی پله‌ها اغلب آجر است.

سردابه : بسیاری از آرامگاه‌ها و مقابر مدفن اصلی شخصیت‌های مذهبی یا سیاسی هستند که زیر طبقه همکف ساخته می‌شدند. معمولاً محل تدفین را در طبقه‌ای پایین‌تر از سطح زمین می‌ساختند. احداث سردابه بیشتر در آرامگاه‌های نواحی مختلف کشور مرسوم بوده است (کارل، ۱۳۸۳: ۱۲).

مشخصات سازه های معماری ایرانی و اسلامی

دین اسلام با توجه به جهان بینی خاص خود آثار معماری ایران را تحت تاثیر قرار داد و به آن هویتی خاص بخشید، به هر حال پیوند محکمی بین معماری ایران قبل از اسلام به ویژه دوران تاریخی (ماد تا ساسانی) و بعد از اسلام

حداقل تا زمان صفوی وجود دارد که مصادیق آن را در سازه‌های معماری ملاحظه می‌کنیم. هنر معماری اسلامی با تلاش و تفکر و تدبیر معماران بزرگ اسلامی بسط و گسترش یافت که این هنر بر درایت و نوع نگاه دینی شخص صحنه می‌گذاشت؛ در واقع این نوع معماری بر نظرات، تجارب و ابتکاراتی متکی بود که معمار از آن بهره می‌گرفت. این مسأله منجر به تنوع در معماری اسلامی شد و با توجه به اینکه این معماری از زبان قرآن نشأت می‌گرفت، عمق و غنای تمدن اسلام را با بهره‌گیری از روح معنویت نشان می‌داد. در شکل‌گیری معماری ایرانی-اسلامی، نظر، جهان‌بینی و تفکر معمار، ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. پیوند نگاه به دنیا و زندگی در مکان‌ها و فضاها در تمامی ساختمان‌های معماری سنتی به چشم می‌خورد.

معماری ایرانی از دیدگاه گردشگران

در معماری ایرانی، با وجود ویژگی‌هایی چون، تناسب و زیبایی سر درها و گنبدها و ایوان‌ها خصلتی که بیشتر شایسته بررسی است گوهر معماری ایرانی و منطق ریاضی و عرفانی آن است. درون‌گرایی و گرایش معماران ایرانی به سوی حیاط‌ها، پادیاوها، باغچه‌ها، هشتی‌ها و کلاه‌فرنگی‌ها که شبستان‌ها را گرداگرد خود گرفته است، از دیرباز جزء منطق ایرانی بوده است.

در دوران مختلف تاریخی صدها ایوان و شبستان با ستون‌های چوبی و سنگی در مناطق مختلف جهان ساخته شده بود، ولی در تخت جمشید می‌بینیم که ستون‌ها تا آخرین حد ممکن از هم فاصله گرفته‌اند در صورتی که در بعضی از بناهای مذهبی خارج از ایران فاصله‌ی دو ستون چیزی نظیر قطر آن‌ها بوده است. معمار ایرانی توانست وسیع‌ترین دهانه‌ها را به وجود بیاورد و

آرایش‌های گوناگون و سرگرم‌کننده خلق کند؛ به گونه‌ای که ساختمان دو اشکوب به اندازه‌ای از هم دور شده که گویی اشکوب زیری بعدها بر آن افزوده شده است (مخملباف، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

معماری ایرانی و طبیعت: بهره‌گیری از طبیعت ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. در معماری ایرانی، حضور طبیعت به طور همه جانبه مشهود است و فضاهای نیمه‌باز-نیمه‌بسته در یک روند سلسله‌مراتبی به نحوی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که گویی همیشه‌انگیزه احترام و حفظ نعمت‌های الهی را پاس می‌دارند. هم‌جواری و همدلی انسان با طبیعت موجب شده است که عناصر طبیعت به گونه‌های مختلف در معماری‌های اصیل حضور داشته باشد. نمونه بارز این باور را می‌توان در بنای هشت‌بهشت ملاحظه نمود که فضاهای طبقات فوقانی همیشه در حول وحوش فضای مرکزی سیر کنند و در آن‌ها تصویرسازی طبیعت در جزء و کل حضور داشته باشد. همانند کلیه فضاهای معماری ایرانی، عبور از فضایی (اتاقی) به فضای دیگر با استفاده از بخش میانه (مفصلی) صورت می‌پذیرد. (مددپور، ۱۳۸۸: ۱)

هندسه و معماری: بدون شک زبان بیان معماری‌های جهان بر هندسه استوار است و از طریق روابط آن می‌توان کلیت کالبدی را آشکار کرد.

در هندسه این سرزمین بحث علم و رشد ریاضی اعداد و ترکیبات پیچیده جبر همراه با حس شهودی بوده است و این دو که تکمیل‌کننده آثار هنری محسوب می‌شوند جدایی‌ناپذیری هنر (حس) و علم (عقل) را در تمدن‌های غنی و در جهان اسلام نشان می‌دهند. با مطالعه آثار و افکار افلاطون

درمی‌یابیم که او دریافت علمی را بدون پشتوانه‌های شهودی ناقص می‌پندارد و بحث عرفان در علم اعداد در غرب بعد شهودی به فراموشی سپرده شده و کلیه استدلال‌ها در چارچوب جدول‌های دقیق دنبال می‌شوند. مطالعه آثار محققان ایرانی در ادراک روابط طبیعی و مادی نشانگر نحوه برخورد شهودی ایشان در تکمیل استدلال علمی است.

شفافیت و تداوم، راز و ابهام در کمال سادگی و خلوص در تشکیل و ترکیب ابنیه ایران مدنظر قرار داشته و سادگی ترکیبات این هندسه پایه ولی غنی موجب پیدایش ساختمان‌هایی شده است که پیام آن با درک ویژه حسی قابل دریافت است و توأم با کلیتی است که کمال خود را در منظر و تصویری کامل القا می‌نماید.

مسجد و مدرسه آقابزرگ کاشان از همین ویژگی عالی برخوردار است و تغییر محور قبله از طریق محور ورودی دارای دو خط ترسیمی است که مرکز آن می‌تواند در مرکز حیاط درونی زیر مدرسه طلاب قرار گیرد. آشنایی با آرمان‌های اسلام و ظرافت پیام قبله و نماز موجب کشف کلیت فضایی این مسجد در فضای مدرسه است که از ورودی به صحن اصلی با تغییر سطوح کاربردی، اقلیمی و فرهنگی نمونه خوبی از مهارت سازندگان می‌باشد. البته تمام این مفاهیم ترکیبی مرکزیت، قبله، شمال، ورودی و حدود قرارگیری عناصر معماری را می‌توان در مسجد تاریخانه دامغان متعلق به قرون اولیه اسلامی ملاحظه نمود.

این بنای کاملاً ساده و بدون هیچ‌گونه تزئینات، انسجام خود را از طریق ستون‌های سنگین استوانه‌ای تأمین نموده است که بر روی آن‌ها، طاق‌های بیضی شکل به طریقی نشسته‌اند که آهنگ حرکت خاص محوری را با

شدت کمال و عظمت القا می‌کنند. ستون‌های استوانه‌ای شکل بسیار قطور، فواصل این ستون‌ها، ارتفاع کلی بنا، حرکت قوس‌ها که در منظرهای زمانی فقط بخشی از آن‌ها قابل رؤیت است.

مسجد و ماندگاری هنر و معماری اسلامی

مسجد نیایشگاه و محل گردهمایی مسلمانان است. کعبه طبق آیه قرآن اولین مسجد روی زمین است. مسجد النبی با ورود محمد، پیامبر اسلام به مدینه در عربستان سعودی پایه‌گذاری شد. مساجد در ابتدا بسیار ساده ساخته می‌شدند و معمولاً سقف حصیری داشتند. هنگامی که اسلام در ایران استحکام یافت مساجد با گنبد ساخته شد گنبد بیشتر در معماری ایرانی نمود پیدا کرده است. قدیمی‌ترین نمونه مساجد با گنبد چارطاقی مربوط به مسجد الاقصی است که قبل از اسلام ساخته شده است. در ایران ساسانی بیشتر آتشکده‌ها به صورت چارطاقی و گنبد دار مدور بودند و همین سبک در ساخت مساجد ایران به کار گرفته شد و سپس مناره بر آن افزوده شد. کاخ اردشیر فیروز آباد یکی از نمونه‌های این گونه معماری است. مساجد قدیم‌تر در جهان عرب فاقد مناره هستند. مساجد در معماری ایران از سیر طراحی تکاملی برخوردارند. رواج هنر کاشی کاری سنتی از مهمترین عناصر تزئینی مساجد ایرانی است.

نقش و کارکرد مساجد: مسجد مهم‌ترین فضای معماری در سرزمین‌های اسلامی است که علاوه بر کارکرد دینی و مذهبی و معنوی همواره از نقش اجتماعی سیاسی نیز برخوردار بوده است. اهمیت نقش دینی و اجتماعی مسجد موجب شده است که معماران و برخی دیگر از هنرمندان در همه دوره‌های تاریخی تلاش خود را در راه خلق فضایی مناسب و شایسته برای

نیایش صرف کنند. به همین جهت است که مساجد هر دوره را می‌توان نمونه معماری و هنر آن دوره به شمار آورد.

مسجد در معماری ایران

در معماری ایرانی فرهنگ اسلامی با فرهنگ غنی ایرانی عجین شده است. تنها چند نمونه مسجد در ایران وجود دارد که به سبک اولین مسجد اسلامی که به دست پیامبر اسلام (ص) ساخته شده، بنا شده است و پس از آن معماری ایران در مسیری شروع به حرکت کرد که زائیده آن حرکت امروزه در جای‌جای ایران به شکل بناهای عظیم و زیبای مسجد خودنمایی می‌کند. مجموعه‌ی میدان نقش جهان که در آن دو مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد شاه قرار دارد از جمله نمادهای معماری ایرانی اسلامی است. مساجد مهم ترین بناهای بافت اطراف خود بوده‌اند که با هزینه مردم بنا می‌شدند.

ویژگی‌های ساختاری هر مسجد شامل انعطاف ذاتی، بی تفاوتی نسبت به نماهای خارجی، تاکید متقابل بر فضای داخلی، و گرایش طبیعی به تزئینات کاربردی است. به اعتقاد پیرنیا (۱۳۸۳)، ایرانیان کهن و هنرمندان آنها باور به تقلید درست داشته‌اند و آنرا بهتر از نوآوری بد می‌دانستند. تقلید یا برداشتی که منطق داشته باشد و با شرایط زندگی سازگار باشد. از این وجوه خاص که جامع را از مسجد متمایز می‌کند، می‌توان به محراب، منبر یا سکوی وعظ، مقصوره یا محصوره، ناو یا راهروی بالا آمده میانه شبستان و گنبد اشاره کرد. ذکر این نکته حائز اهمیت است همه این عناصر در یک بنا با درجه اهمیت برابر باقی نماندند و با همه آنها به یک نحو برخورد نمی‌شد (براند، ۱۳۸۳).

مساجد مورد مطالعه

مسجد جامع اصفهان: مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین ابنیه مذهبی ایران است. این مسجد مجموعه تاریخی وسیعی را به ابعاد ۱۷۰ در ۱۴۰ متر در شمال شرقی اصفهان و کنار میدان کهنه نشان می‌دهد و امروز شامل قسمت‌های مختلفی است از قبیل گنبد نظام الملک، گنبد تاج الملک، ضمن چهار ایوانی شبستانها، مدرسه مظفری محراب الجایتو که هر یک نمایانگر سیر هنر معماری اسلامی در دوره‌ای خاص هستند. بنا بر شواهد تاریخی، مسجد جامع اصفهان بر روی ویرانه‌های مسجد قدیمی تری ساخته شده است. مسجد اولی بر خرابه‌های ابنیه‌ای مربوط به اواخر دوره ساسانی برپا شده بود (دهباشی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). مسجد امام شاهکار جاویدان معماری، کاشی‌کاری و نجاری است و از بناهای مهم معماری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. ساخت این مسجد در دوره‌ی شاه عباس اول شروع شده و تزئینات و الحاقات آن در دوره جانشینان او به اتمام رسیده است. معمار آن استاد علی‌اکبر اصفهانی و ناظر ساختمان محب‌علی بیگ الله بوده‌اند و خوشنویسانی چون علیرضا عباسی، عبدالباقی تبریزی، محمد رضا امامی و محمد صالح امامی در آن کتیبه‌نگاری کرده‌اند. این مسجد از نظر ویژگی‌های معماری، تزئینات غنی و آثار نفیس دیگر از برجسته‌ترین آثار معماری ایران است و نمایان‌گر اوج هنر یک هزار سال مسجد سازی در ایران است. قوس نیم گنبد سر در خارجی مسجد ۲۷ متر بلندی دارد و بلندی مناره‌ها در حدود ۳۳ متر است، مناره‌های بالای شبستان از آن هم بلندتر است در حالی که گنبد روی آن بلندتر از همه واقع گردیده است.

مسجد شیخ لطف الله: مسجد شیخ لطف‌الله یکی دیگر از بناهای باشکوه شرق میدان امام خمینی (ره) اصفهان است که در مقابل قصر شاه عباس صفوی (عالی قاپو) واقع شده است. این مسجد به دستور شاه عباس صفوی بنا شده و به نام عالم بزرگ « لطف‌الله عبدالکریم میسی » یکی از فقهای امامیه نامیده شده است که اصلیت او از جیل عامل لبنان است و در دوران صفوی به ایران آمده بود. بنا به نقلی مشهور پس از این که از یک‌ها محل اقامت شیخ لطف‌الله را در قزوین اشغال کردند شاه عباس وی را به نزد خود فراخواند و وی مدرسه و همین مسجد را که به نام او مشهور شد بنا نهاد. کار بنای ساختمان مسجد مدت ۱۷ سال ادامه پیدا کرد.

این مسجد که در ضلع شرقی میدان نقش جهان قرار گرفته در مقایسه با شالوده وسیع و تناسبات شاهانه مسجد امام به یک نمازخانه خصوصی شباهت بیشتری دارد. ساخت این مسجد نیز در زمان شاه عباس بوده که به افتخار روحانی زمان شیخ لطف‌الله توسط استاد محمدرضا اصفهانی ساخته شده است. گنبد این مسجد ۱۲ متر ارتفاع دارد که بردیوارهای قطور بنا قرار گرفته است. کاشی کاری زیبای این مسجد و به همراه نورگیرهای گنبد آن جلوه‌ای خاص به مسجد داده است

خلاصه

میزان سطح پایداری و ماندگاری یکی از شاخص‌های هنر معماری، در دوره‌های تاریخی است. این مسأله نشان‌دهنده‌ی قدرت اثر معماری و زیبایی آن بوده است. معماری اسلامی یکی از شاخه‌های معماری است که توانسته نقش مهمی در پویایی معماری ایرانی ایفا نماید. تکیه معماران بر طراحی اماکن مذهبی و به ویژه معماری مساجد یکی از مهمترین دلایل

پایداری معماری اسلامی، بوده که توسط شخصیت‌های مطرح معماری خلق شده‌اند. معماری مساجد در برگیرنده‌ی تلفیق نبوغ و هنرمندی معماران واستنباط و دریافت آنان از مولفه‌ها و شالوده‌های مطرح در دین اسلام است که کاربست آن را در طراحی نقوش، رنگ‌ها، طاق‌ها، ایوان، مناره‌ها و.. می‌توان دریافت.

عمدتاً ورودی‌های مساجد ایران حرکتی روحانی به سوی آسمان دارد. در گذشته زندگی انسان با کیهان و آسمان بیشتر مرتبط بوده است. جلوه‌های این ارتباط را در قالب نقوش هندسی چون خورشید ماه و ستاره‌ها در معماری می‌یابیم که آن‌ها را در تزینات به صورت آجر کاری یا کاشی کاری و یا در کل حجم معماری در قالب استفاده از حجم‌های هندسی ملاحظه می‌کنیم. در معماری ایرانی اسلامی علاوه بر وجوه زندگی مادی و نمادین زندگی، ابعاد معنوی و تعالی بخش برای ارتقاء هویت انسانی دیده می‌شود که در این مقاله این موضوع مورد توجه بوده است. پایداری و ماندگاری آثار معماری ایرانی اسلامی حاصل فکر و اندیشه‌ی هنرمندان معمار و نبوغ و استعداد آنان بوده است. از جهتی بهره‌گیری از تجربه معماری برجای مانده از دوران پیش از اسلام ایران در دوره‌ی ایلامی و تمدن‌های دوران تاریخی در ارتقای معماری ایرانی اسلامی نقش کلیدی داشته است.

استفاده از تجربه‌های ارزشمند معماری سنتی ایران در ارتقاء معماری مدرن با الگوی ایرانی اسلامی هویتی نو به معماری داده شود که می‌تواند در در جامعه‌ی معماری ایران مورد توجه باشد.

منابع

۱. واسیلی کاندینسکی، ۱۳۷۵، معنویت در هنر /. ترجمه اعظم نورالدخانی، رها، تهران.
۲. محسن مخملباف، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر هنر اسلامی، حوزه اندیشه و هنر اسلامی، تهران.
۳. تیتوس بورکهارت، ۱۳۶۵، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، سروش.
۴. کارل. جی. دوری، ۱۳۸۳، هنر اسلامی، /ترجمه رضا بصیری، فرهنگسرا (پساوولی)، تهران.
۵. ارنست کونل، ۱۳۶۸، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، توس، تهران.
۶. تیتوس بورکهارت، ۱۳۷۰، جاودانگی و هنر، سید حسین نصر. کارل گوستاو یونگ و.. ترجمه سید محمد آوینی، انتشارات برگ، تهران.
۷. محمد مددپور، ۱۳۸۸، تجلی حقیقت در ساحت هنر، تهران. انتشارات برگ.
۸. محمد تقی جعفری، بی‌تا، نگاهی به فلسفه هنر از دیدگاه اسلام، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۹. مرتضی حسینی نجومی، ۱۳۸۸، عرفان هنری انسان، مهدیه، تهران.
۱۰. زهرا رهنورد، ۱۳۷۸، حکمت هنر اسلامی، سمت، تهران.
۱۱. پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۹۲، آشنایی با معماری اسلامی ایران، سروش دانش.

بررسی ویژگی‌های معماری بنای تاریخی قلعه‌ی کنجان چم

وحید درخشنده^{۱۵}

چکیده

استان ایلام دارای گنجینه‌های با ارزشی از تاریخ گذشته است. به نظر می‌رسد موقعیت مکانی این دیار به عنوان معبر ارتباطی فلات مرکزی با سرزمین‌های پست هم‌جوار یعنی میان رودان در تعدد آثار تاثیر گزار بوده است. در این استان آثار وابسته متعددی از شهرها، پل‌ها، قلعه‌ها، کهندژها، محوطه‌ها، آتشگاه‌ها، آسیاب‌ها، کاروانسراها، مکان‌های مسکونی گذشتگان و ... بر جای مانده است. کهندژها (حصارهای محکم دارای برج و بارو) و قلعه‌های مسکونی، نظامی و حکومتی متعددی را می‌توان در نواحی مختلف ایران یافت که از ویژگی‌های خاص معماری برخوردارند. بیشتر قلعه‌ها و دژهای تاریخی در طول تاریخ در گستره‌ی سرزمینی ایران برای بازدارندگی بوده است. در این نوشتار تلاش شده تا یکی از بناها و سازه‌های معماری (قلعه‌ها و دژهای تاریخی) به عنوان بخشی از آثار تمدن و فرهنگ این منطقه از سرزمین بزرگ ایران معرفی شود. قلعه‌ی تاریخی کنجانچم، قلعه‌ای که مقر زمستانی والی حسین قلی خان و عمله‌ی همراه او و دارودسته‌اش بوده است و در سنوات مختلف، به دلیل ویژگی‌های خاص معماری، سالم و ماندگار باقی مانده است. امید است این فعالیت اندک در شناسایی هویت تاریخی این منطقه مؤثر افتد و از جهتی مورد توجه محققان و پذیرش خوانندگان این عرصه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: معماری اسلامی، کنجان چم، قلعه‌های نظامی، جاده تاریخی، دیوانخانه.

۱. دانش آموخته رشته معماری، کارشناس میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایلام.

مقدمه: استان ایلام با داشتن ده‌ها اثر ارزشمند فرهنگی و تاریخی از دوران اسلامی، یکی از استان‌های برخوردار در زمینه‌ی فرهنگی و تاریخی است. بررسی ویژگی‌های معماری این آثار نشان می‌دهد که علیرغم وجود یک سری عوامل طبیعی و غیرطبیعی، در طی دوران مختلف همچنان مستحکم و مقاوم برجای مانده‌اند. در این مقاله تلاش شده است تا قلعه‌ی کنجان چم واقع در شهرستان مهران معرفی گردد. این بنای حکومتی از دوران قاجاریه و از زمان حکومت امیر حسین قلی خان والی ابوقدره، در تنگه‌ی استراتژیک و تاریخی کنجانچم مهران برجای مانده است. قلعه‌ی تاریخی کنجانچم، مقر زمستانی والی حسین قلی خان بوده است.

شهر مهران: شهر مهران، مرکز این شهرستان در فاصله ۹۰ کیلومتری ایلام قرار دارد. این شهر به خاطر نزدیکی بودن به عتبات عالیات از جهات مختلف حائز اهمیت است. وجود منابع عظیم گاز و نفت و نیز صادرات انواع کالا از مرز بین‌المللی و تردد زوار موجب رونق این شهرستان شده است. در این شهرستان آثار متعدد تاریخی و فرهنگی و زیارتی وجود دارد. سنگ‌نوشته‌ی تخت‌خان، قلعه و کاروانسرای قالوه، تپه‌ی باستانی گلان، تپه‌ی باستانی مشهدی و تپه‌ی پاسگاه در صالح آباد، تپه‌ی باستانی آهوان مهران و نیز تپه‌ی باستانی سیدحسن، از مهم‌ترین جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و توریستی این شهرستان قلمداد می‌گردند.

محدوده مورد مطالعه

کنجان چم در حدفاصل امیر آباد به رضا آباد و در فاصله‌ی ۱۵ کیلو متری شهر مهران در مسیر ایلام به مهران قرار دارد. از شمال به منطقه‌ی گلان و امیر آباد و از جنوب به دشت رضا آباد مهران و رودخانه‌ی کنجانچم محدود می‌باشد. رود دائمی کنجانچم در این منطقه جریان دارد و در دشت مهران مرز ایران و کشور عراق را تشکیل داده است. وجود آثار باغ و مزرعه از دوران حکومت حسین قلی خان والی ابوقداره جلوه طبیعی این محدوده را مصفا نموده است. این منطقه از شمال به منطقه‌ی گلان و امیر آباد و از جنوب به دشت رضا آباد مهران و رودخانه‌ی کنجانچم و از مشرق به کوه‌های ملکشاهی و از مغرب به کوه‌های گچ مشرف به کله قندی و دشت عراق محدود می‌باشد.

قلعه کنجان چم

قلعه‌ی کنجان چم یا قلعه‌ی حسینیّه، توسط حسینیقلی خان و فرزندش غلام رضاخان، در ساحل راست رودخانه کنجانچم و در کنار جاده قدیمی ایلام- مهران احداث شده است. این قلعه محل زمستانی والی بوده و دارای مجموعه‌ای از فضاهای حکومتی و خدماتی و رفاهی نظیر ایوان‌ها و اتاق‌ها و حمام و ... می‌باشد.

ورودی شرقی آن که مشرف به رودخانه است و دارای چشم‌اندازی زیبایی باشد. این بنا از مصالح قلوه‌سنگ و گچ و گل ساخته شده و در نمای شرقی ورودی و رج‌بندی اطراف برج‌ها از آجر استفاده شده است. یک مجموعه نگهبانی و دیده‌بانی و نظامی بر فراز تپه طبیعی جنوب غربی آن که قلعه را در دید مستقیم خود قرار داده، مرتبط با ساختمان قلعه احداث نموده‌اند. ژاک دموورگان فرانسوی در سال ۱۸۹۵ زمانی که در محدوده حکومت والی وقت سیاحت می‌کند از آن بازدید نموده و این اثر را تحت عنوان قلعه حسینیّه معرفی کرده است. وجه تسمیه آن به مناسبت رود کنجان چم

می‌باشد که دارای سد بوده و اراضی مهران را مشروب می‌ساخته است (خلیلیان، :
(والی پشتکوه این قلعه راساخت تا دراقامت زمستانی اش از آن استفاده
کند (درخشنده، ۱۳۹۰: ۲۳۲).

دربخشی ازسنگ نوشته‌ی والیان در محل تخت خان (مسیر جاده ایلام به مهران) ذکر
شده است: «تاریخ ساختن قلعه حسین آباد وقلعه حسینی و حفر نهرامیر آباد درسنه ۱۳۰۵
در عهد دولت ... ناصرالدین شاه قاجار حسب الامر حضرت ... آقای حسین قلی خان
امیر تومان صارم السلطنه سردار اشرف والی کل لرستان فیلی اتمام پذیرفت. فی سنه
هزار دو دویست و نود و چهار. تاریخ فوت حسین قلی خان سنه هزار و سیصد و
هجده (درخشنده، ۱۳۷۳: ۸۱).

مشخصات قلعه: ابعاد و اندازه‌ی قلعه‌ی کنجان چم قلعه کنجان چم مانند بیشتر قلاع
تاریخی دارای ابعاد مستطیل شکل بوده که چهار رأس آن را چهار برج بلند مدور
تشکیل داده است. این بنا در زیر بنایی برابر ۹۲۰ مترمربع در یک طبقه ساخته شده
است. این قلعه به شیوه‌ی چهار ایوانی و طاق گهواره‌ای بنا شده است.

اتاق‌ها: قلعه دارای سه ورودی و چهار برج دیدبانی، اتاق‌های مرتبط به هم، حمام،
قسمت مسکونی و دیوانخانه است. نمای خارجی کلاً از سنگ ساخته شده است.
تمام اتاق‌ها به صورت تو در تو به هم دیگر راه دارند. ارتباط ورودی به تمام اتاق‌ها و
حیات اصلی به وسیله‌ی راهروهای پوشیده صورت می‌گیرد. (پردیس کنجان چم
۱۳۹۳، آرشیو میراث فرهنگی ایلام).



نمایی از قلعه‌ی کنجانچم - مهران

نقش کاربردی قلعه: قلعه کنجان چم از نوع قلعه‌های حکومتی بوده که به عنوان سکونتگاه زمستانه از آن استفاده می‌شده است. این قلعه به دستور والی وقت با اهداف خاصی مانند سکونت خاندان والی (غلامرضاخان) در فصل زمستان و پیامد آن استقرار مقر حکومتی خود در این فصل از سال با بهره‌گیری از امکانات رفاهی و دسترسی آسان به رعایا و گرفتن عوارض و مالیات از آنها بوده است. این بنا با بهره‌گیری از چهار برج دیده‌بانی در چهار رأس بنا، ارتفاع بلند آن، نصب کنگره‌های دیدبانی در روی دیوار، تعبیه نمودن سوراخ‌هایی به صورت اریب جهت دیده بانی و حراست از تمامی اضلاع قلعه به خوبی نمایان است (آرشیو میراث فرهنگی ایلام - ۱۳۹۳).

تأسیسات قلعه: آب قلعه به وسیله‌ی قنات به سبک قنات منگلی با استفاده از چاه‌ها و تونل میان راهی از قسمت رودخانه‌ی کنجان چم تأمین و به وسیله‌ی کانال به سمت قلعه هدایت شده و به هنگام ورود به قلعه به وسیله‌ی تنبوشه و راه آب‌های سنگی

و آجری به داخل قلعه، حوض خانه‌ها، حوض داخل حیاط و حمام وارد شده است. تأسیسات آب خوری و جوی‌ها به همین طور از آب وارد شده به قلعه استفاده کرده‌اند (درخشنده، ۱۳۹۲: ۱۳۴).



نمای راهروهای قلعه‌ی کنجانچم

فضاهای جانبی

در طراحی قلعه، فضاهای مختلف مانند: استراحتگاه، حرمسرا، اصطبل، سیاه‌چال، حمام، مطبخ و شاه‌نشین در طبقه همکف، طراحی و ایجاد گردیده است. از جهتی با بهره‌گیری از مصالح بومی به نحو مطلوب در ساختار معماری بنا، گچبری‌ها، طاق‌نماها، سیستم اتصال و دفع آب و فاضلاب آب‌انبار و حوض و کف‌سازی حیاط اجرا گردیده است.



نمای داخلی یکی از اتاق‌های قلعه‌ی کنجانچم

مصالح : مصالح به کار رفته در قلعه کنجان چم تماماً بومی است. قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای و گچ در ساخت و ساز قلعه ساستفاده شده است. طاق‌های بخش‌های مختلف نیز با همین نوع مصالح پوشیده شده‌اند. البته تنها گوشه شمال‌غربی بنا به پوشش آجری دارد و به صورت طاق و چشمه اجرا گردیده است. البته در بخش‌هایی از نما (جرزهای مابین طاق‌ها) از آجر به صورت موضعی برای نما استفاده شده است. در نمای بیرونی بنا نیز در امتداد سطح بام و شروع دوره‌چینی یک نوار آجری باریک کمربنددار به دور قلعه پیچیده است. پوشش طاق‌ها نیز به صورت طاق آهنگ با استفاده از قلوه‌سنگ‌های تخت و نازک به شیوه ضربی اجرا گردیده است.

مصالح اصلی ملات به کار رفته در ساخت بنا عمدتاً از گچ بوده و کلیه بدنه‌های سنگی را با اندود گچ پوشانیده‌اند. نمای بیرونی قلعه به علت عدم دسترسی آسان به پشت بام و استحکام بیشتر درزها و فواصل سنگ‌های به کار رفته شده، دیوار با ملات گچ اندودکاری شده و سطحی را به وجود آورده است. نماهای داخلی حیاط با استفاده از آجر اجرا شده و در بعضی سطوح، ترکیب آجر و سنگ در نما جلوه‌ای خاص ایجاد گردیده است. کف‌سازی داخل حیاط و فضاهای روباز با استفاده از شن‌های نسبتاً درشت رودخانه‌ای و تقسیم‌بندی آن با استفاده از آجرها که به صورت پر کار شده، صورت گرفته است. در کف‌سازی داخل اتاق‌ها به احتمال زیاد از اندود گچ استفاده می‌شده است.

عامل پایداری: قلعه‌ی کنجان چم یکی از بناهای تاریخی دوره‌ی اسلامی است که با سبک معماری قلاع دوره قاجاریه و با استفاده از مصالح بومی به طریقی محکم و اصولی طراحی و ساخته شده است. بنابر این راز ماندگاری این اثر به دلیل توجه و دقت هرچه بیشتر در معماری بنا و استفاده از مصالح سنگ و گچ و آجرو ساخت دیوارهای عریض و مستحکم و مخصوصاً اجرای اصولی پی بنا با استفاده از عایق‌ها و مصالح آهک و یا نوعی دیگر از مصالح بوده است.

نقش گردشگری قلعه

قرار گرفتن قلعه‌ی کنجانچم بر سر راه ایلام به مهران و کریدور بین‌المللی مرز مهران از نظر مکانی و جذب گردشگر دارای اهمیت می‌باشد. تردد زائران در تمام ایام سال به ویژه زائران اربعین و همچنین کاروان‌های راهیان نور سبب گردیده است تا این اثر جایگاه گردشگری خود را حفظ نماید. بنابر این، در صورت تعمیر و تجهیز این بنا و تأمین و تجهیز امکانات وزیر ساخت‌های مورد نیاز این محل می‌تواند از جمله طرح‌های موفق در راستای گردشگری و جذب گردشگران فرهنگی و تاریخی باشد.

خلاصه

عظمت و پایداری قلعه‌ی تاریخی اسلامی کنجان چم در مهران و وجود ده‌ها اثر فرهنگی و تاریخی دیگر در محور گردشگری مهران و فعال بودن بازار کسب و کار و تجارت و رفت و آمد زوار در این مسیر شرایط مناسبی برای گردشگری در این محدوده‌ی جغرافیایی به وجود آورده است.

مهیا نمودن امکانات لازم در محل قلعه برای استفاده‌ی گردشگران، فضا سازی و محوطه سازی اطراف قلعه به جهت استفاده‌ی بازدید کنندگان، استقرار نگهبانان یا نگهبانان حفاظت از آثار تاریخی در آن محل، مرمت و تعمیرات داخلی و تأمین آب و برق قلعه از طریق مولدهای برقی و نورپردازی داخل و بیرون قلعه، احداث چایخانه و سفرخانه‌ی سنتی (بخش خصوصی)، بانظارت کامل میراث فرهنگی و سازمان‌های نظارتی به جهت جذب گردشگران، احیای باغ و نخلستان متعلق به قلعه و تعیین حریم قلعه مورد پیشنهاد است.

منابع

۱. خلیلیان، علی محمد: بی تا، گزارش بررسی دشت مهران.
۲. درخشنده، صیدمحمد (۱۳۹۰)، ایل من ایلام، بررسی جامع تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و تمدن ایلام، انتشارات زانا، چاپ اول.
۳. (۱۳۹۲)، قنات‌های ایلام، انتشارات زانا، چاپ اول.
۴. (۱۳۹۳)، جغرافیای طبیعی و اکوتوریستی ایلام، مؤلف ناشر، چاپ اول.
۵. (۱۳۷۳)، ایلام عروس زاگرس، انتشارات ایران، تهران، چاپ اول.
۶. محمودیان، حبیب الله (۱۳۸۳)، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی ایلام، ایلام، انتشارات گویش، چاپ اول.
۷. آرشیو کتابخانه‌ی تخصصی، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایلام (۱۳۹۳).

۸. آرشیو اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان ایلام (۱۳۹۳) و پردیس کنجان چم و گزارشی از قلعه‌ی کنجان چم.
۹. آرشیو عکس اداره‌ی کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری (۱۳۹۳).

خلوت و حریم در معماری ایرانی

دکتر ابراهیم مرادی^{۱۶} مینا هاشمی^{۱۷}

چکیده

خانه جایی است که آدمی در آن سکنی می‌گزیند. خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد نهادی است با عملکرد چند بعدی که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد. بنای خانه علاوه بر اینکه نوعی سرپناه در جهت حفظ و امنیت انسان در برابر انواع گزندها قلمداد می‌گردد بلکه بنایی است که در بردارنده‌ی هویت، فرهنگ و تمدن یک ملت است. مبحث خلوت و حریم، در معماری ایرانی بسیار حائز اهمیت است. در این نوشتار نیز تلاش شده به مقوله‌ی خلوت و حریم در خانه‌های ایرانی پرداخته شود. این مقاله با پرداختن به مفهوم خلوت، و خلوت در معماری، به مبحث محرمیت در معماری نیز اشاره می‌نماید. از جهتی مفهوم محرمیت از دیدگاه مسلمانان و نقش دین اسلام در ایجاد حریم در معماری مسکونی ایرانی و عرصه‌بندی‌ها در این نوشتار مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی: خانه، خلوت، حریم، معماری اسلامی، معماری ایرانی.

مقدمه: بر اساس یافته‌های محققینی چون راپاپورت (۱۹۶۹)، فرهنگ، به عنوان عاملی موثر در پایداری اجتماعی، نقش مهمی را در فرآیند شکل‌گیری مسکن ایفا می‌کند. در این میان جایگاه دین در شکل‌گیری فرهنگ‌ها، جایگاهی متعالی و موثر است. مطالعات انجام شده در حوزه‌ی رفتار اجتماعی نشان می‌دهد، عامل محرمیت در کنار فرهنگ، دین و محیط مورد ارزیابی قرار گرفته است. مفهوم محرمیت با تاکید بر اصالت مفهوم حفظ حریم خصوصی در حوزه‌های

^{۱۶} - استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، گروه باستان‌شناسی،

^{۱۷} - دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام،

مفهومی و کالبدی متعددی قابل رصد است که در این بین فیلسوفان علوم مختلف مانند روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و معماران تمرکز بیشتری را در باب این مقوله داشته‌اند. بر اساس تفسیر آلمن از محرمیت (حریم خصوصی)، این مفهوم به عنوان انتخابی است که یک فرد نسبت به دسترسی دیگران به خود انجام می‌دهد. جامعه‌شناسان از حریم خصوصی به عنوان مرزی بین شخص، دیگران و محیط یاد می‌کنند، که در آن انسانها قادرند مرزهای خود محدود کرده و یا توسعه دهند. با این حال مرتدا از محرمیت به عنوان مفهومی دینی در جهت تفکیک جنسیتی و جدایی بین زندگی خصوصی و تعاملات عمومی یاد می‌کند. **خلوت:** توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و پویایی با دیگران است. «امس راپاپورت» خلوت را (توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد) تعریف کرده است. (ارژمند-خانی، ۱۳۹۱: ۳۵).

خلوت در معماری: در حکومت اتابکان برای انسان به ویژه انسان دین دار چهار نوع رابطه با خود، رابطه با دیگران، رابطه با طبیعت و رابطه با خدا تعریف شده. از سوی دیگر خانه به عنوان ظرف زندگی انسان، می‌باید تامین‌کننده این چهار نوع رابطه باشد. خانه باید امکانی فراهم بیاورد که هر انسانی هنگامی که در آن حضور دارد، رابطه درستی با خود برقرار کند و متأسفانه این همان کیفیتی است که امروزه تقریباً تمام خانه‌ها فاقد آن هستند. در معماری تمدن اسلامی به طور خاص در بعضی بناهای اجتماعی مانند: مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان‌هایی به این امر اختصاص داده شده است. مکان‌هایی که به «زاویه» یا «گوشه» یا «خلوت خانه» نیز شهرت دارند که سالکان الی الله در آنها جای‌گیری می‌شدند و برای انجام عبادت خویش مثل اعتکاف یا چله‌نشینی به سر می‌برده‌اند. (حجت، ۱۳۸۷).

محرمیت و امنیت

محرمیت به عنوان یکی از اصول اساسی در معماری اسلامی در راستای تامین امنیت اجتماعی دارای وجوه و جنبه‌های متفاوتی است. محرمیت موجود در خانه‌های ایرانی، مساجد، حمام‌ها، باغ‌ها، و... مبین همین مسئله است. واژه‌ی حریم در لغت به معنی پیرامون، گرداگرد خانه، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد، است. حریم کلمه‌ای عربی است و به معنی منع هم آمده است. حریم مرز ایجاد می‌کند، ولی فقط داشتن جدایی نیست. درست است که حریم حالتی را به وجود می‌آورد و مانع از تجاوز دیگران می‌شود: ولی این حریم ضمن اینکه تمامیت آدم را حفظ می‌کند، حریم دیگری را نیز نگه می‌دارد. (نورانی، ۱۳۸۷، ۳)

در شهرهای سنتی اسلامی تردیدی نیست که نظام محله‌های بسته و کوچه‌های بن بست علاوه بر اینکه راه حل زیرکانه‌ای بود که امنیت را حل می‌کرد و ایجاد حریم می‌نمود، ایجاد کامل یک جامعه اسلامی مطلوب را با اطمینان از مجزا شدن زندگی خانوادگی، که البته به عنوان یک خصوصیت اسلامی در شهر مشاهده می‌شود، ممکن می‌ساخت. (گودرزی، افشاری، ۱۳۸۸: ۳)

در شهرهای سنتی ایران برای حفظ محرمیت ساکنان یک فضا، مسیر فضایی ورودی را به صورت پیچ در پیچ و غیر مستقیم طراحی می‌کردند، به نحوی که از جلوی در گاه یا هشتی نتوان فضاهای داخلی را مشاهده کرد. این هدف بیشتر در طراحی فضای ورودی خانه‌های درونگرا در نظر گرفته می‌شد. البته در برخی موارد برای تامین امنیت بیشتر برای ساکنان یک فضا نیز مسیر دسترسی را پیچ در پیچ می‌ساختند. (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۴)

یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است. معماران ایرانی با ساماندهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این بناها را به هم پیوند می‌داد (نورآقایی، ۱۳۸۶).

دیدگاه حفظ حریم خصوصی

از منظر اسلام، خانه به عنوان پناهگاهی امن و سرپناهی خصوصی بوده که بهترین محل برای آرامش و آسودگی از جهان خارج است. محیط خانه به تک‌تک اعضای خانواده فرصت می‌دهد که سخن بگویند، استراحت کنند، شاد باشند، محبت بورزند و روابطشان را مستحکم سازند. (امر، ۲۰۱۰: ۲۳۶) مفهوم حریم خصوصی از زوایای مختلف محرمیت بصری، شنیداری، بویایی و دسترسی قابل ارزیابی است. هر کدام از این جنبه‌ها به زیبایی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. به طور مثال مواردی از این باب که از قرآن و حدیث بدست آمده اند به شرح زیر هستند:

"به مردان مومن بگو که نگاهشان به پایین بوده و با غفت باشند (سوره نور آیه ۳۰)

"به خانه‌ای که کسی در آن نیست وارد مشوید، مگر به شما اجازه داده شود. اما اگر از شما خواسته شد که برگردید، برگردید. (سوره نور آیه، ۲۷ و ۲۸)

مفهوم محرمیت و حریم در اسلام به معنای جداسازی زندگی خصوصی از تعاملات بیرونی و نیز جداسازی زنان و مردان نامحرم است که با هدف تامین امنیت خانواده صورت می‌گیرد. به این معنا که اسلام روابط آزاد بین زن و مرد را فقط در قالب ارتباط محارم مجاز می‌داند (مرتدا، ۲۰۰۳: ۱۵۲)

خانه باید بر اساس تعالیم الهی و دستورالعمل‌های اسلامی باشد بگونه‌ای که اساس طراحی پلان، فضا، حجم و موقعیت قرارگیری آن باید در برگیرنده‌ی نیاز

های محرمیتی خانواده باشد. سوره مبارکه نور اعضای خانواده از مرد و زن و کوچک و بزرگ را به رعایت و کنترل اصول اخلاقی، رفتاری، ارتباط بین خانوادگی و اجتماعی و نیز پوشش توصیه می‌کند. (مرتدا، ۲۰۰۳: ۱۶۴)

درونگرایی و معماری

«گرایش به درون» باوجود تفاسیر مختلفی که در تحلیل علت آن، در جاهای مختلف، آورده شده، عمدتاً به شکلی واحد از سازماندهی کالبدی در معماری سرزمین‌های مسلمانان، اطلاق شده و آن عبارت است از: بسته بودن فضای خصوصی نسبت به فضای شهری و باز شدگی آن به سوی فضای باز خصوصی عمدتاً حیاط میانی. (ناری قمی، ۱۳۸۹، ۷۰)

عرصه‌بندی‌ها

محققین مختلف در جهت رعایت اصول محرمیت و حریم شخصی افراد، الگوی تقسیم فضایی مسکن را به گونه‌ی یک الگوی کلی در قالب چهار عرصه عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی مطرح و تایید کرده‌اند. عرصه‌های این دسته‌بندی چهارگانه به عنوان پایه‌ی سیستم فضایی خانه برای تامین اصول محرمیت و حریم شخصی، به این شرح می‌باشد: عرصه عمومی، حوزه دوستان، همکاران، بستگان دور و همسایگان و به طور کلی افراد نامحرم است. عرصه‌ی خصوصی حوزه‌ی اعضای خانواده است به گونه‌ای که هیچ ارتباطی بین اعضای خانواده و افراد غریبه وجود ندارد. معیار اندازه‌گیری این مفهوم زنان خانه هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند. این محدوده می‌بایست از نظر دسترسی و ارتباط بصری و تبادل صوت، از حوزه‌ی مهمانان نامحرم مجزا باشد. این تفکیک شامل نگاه‌های غیرارادی و ناخواسته نیز می‌شود، لذا دقت در این مسئله به عنوان یکی از کلیدواژه‌های طراحی مسکن با اهمیت خواهد بود. دو حوزه دیگر یعنی عرصه

های نیمه عمومی و نیمه خصوصی، فضاهای بینابینی دو عرصه اصلی را شامل می‌شوند. متخصصین معماری فعال در حوزه اصول و مبانی اسلامی، بر سه عامل تامین کننده محرمیت تاکید دارند. در این رابطه می‌توان به طور مثال به در ورودی، پنجره‌ها و بازشوها، ارتفاع دیوارها و پرده‌ها اشاره کرد در ورودی در این میان یکی از عناصر با اهمیت است. کارشناسان معتقدند که ورودی بایستی به صورت ویژه‌ای مکان یابی شده تا از هرگونه هدایت مستقیم نگاه نامحرمان به داخل جلوگیری شود. در این میان نسبت قرارگیری در ورودی خانه و موقعیت همسایگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (hakim, 1989: 64)

حریم در معماری سنتی ایران

پس از ورود اسلام به ایران شیوه و سطح روابط زنان و مردان تغییر کرد. این تغییر یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری مرزبندیهای جدید در طراحی مسکن پس از اسلام است. بر اساس اعتقادات اسلامی، مسلمانان باید آسوده بوده و خانه‌هایشان باید نماد و نشانه آیینشان باشد. این اعتقاد توانست برای مسلمانان ایران مسوولیتی دلخواه را بوجود آورد. بر این اساس خانه‌های سنتی ایران عموماً بر مبنای حفظ محرمیت و ارزش مذهبی - فرهنگی مهمان‌نوازی شکل گرفته است در این میان فرآیند شهرسازی اسلامی نیز به ظهور خانه‌ای ایرانی - اسلامی کمک شایانی کرده است. به طور مثال دسترسی به اکثر خانه‌ها بواسطه عبور از کوچه‌های باریک میسر بوده؛ لذا ورود مستقیم به خانه ممکن نبوده است. البته در خانه‌های سنتی ایران ورودی بیش از یک عنصر نبوده و مجموعه‌ای چند عنصری با عملکردهای متنوع را شامل می‌شود. (فلاح، ۱۳۹۲: ۲)

هشتی، دالان و پله‌های دسترسی به حیاط اول همگی عناصری هستند که محرمیت و حریم خانه را به صورت حمایت‌کننده‌ای تامین می‌نماید. بسیاری از خانه‌های

سنتی ایران ورودی‌های متنوعی دارند تا بتوانند ورود افراد مختلف را به داخل خانه مدیریت نمایند. البته عموماً این ورودیها برای مهمانان با درجه بندیهای نزدیکی به محارم خانواده تعریف می‌شوند. گفتنی است علاوه بر این تفکیک جنسیتی موجود، نوع کوبه‌های نصب شده بر درها هم زنان و مردان را از هم متمایز می‌کند. (همان)

از نکات حائز اهمیت دیگر در خانه‌های سنتی ایران جهت‌گیری آنها در راستای قبله یعنی راستای عبادت مسلمانان است. اهمیت ورود به خانه با نگاه به قبله از باورهای اعتقادی ایرانیان است. (معماریان، ۱۳۸۴: ۴۳۶)

معماری ایرانی

معماری در ایران دارای سابقه طولانی است. این معماری نه تنها فراتر از مرز جغرافیایی ایران امروزی نمودی بارز دارد بلکه از نظر تنوع، پهنه وسیعی را در بر می‌گیرد. عناصر طراحی نیز در معماری ایرانی نیز از قدمتی طولانی برخوردار است. این عناصر از تالار گوردخمه‌ها گرفته تا سقف چهارطاقی‌ها و چهار ایوانی‌ها همواره در دوران‌های مختلف حضور داشته است. الگوی معماری ایرانی در طول دوران مختلف تاریخی همچنان استمرار داشته است. هر چند بارها بر اثر کشمکش‌های داخلی و هجوم‌های خارجی دستخوش فترت یا انحراف موقتی بوده، با این احوال دارای سبکی است که در تاریخ معماری به عنوان سبک ایرانی معروف شده است. از جهتی معماری آثار تاریخی ایران در عین اینکه دارای مفهوم و هدف دینی و آیینی است، مانند سایر نقاط جهان وابسته به عواملی چون اقلیم، مصالح موجود، فرهنگ منطقه، فرهنگ همسایه و آیین و باور و بانی بناست. (نورآقایی، ۱۳۸۶: ۲)

در معماری ایرانی دالان، فضای ارتباطی بیرون و درون به شمار می‌رود. فضای دالان در معماری خانه‌های ایرانی چنان اهمیتی می‌یابد که به جرأت می‌توان آن

را جوهر اصلی فضاهای خانه‌ها، دانست. در این فضااست که گسستن از بیرون و پیوستن به درون به تدریج حاصل می‌شود. زندگی جهانی بیرون، صداها، رنگها، و حرکت در فاصله‌ی زمانی که در این فضای میانجی طی می‌شود، کم کم محو می‌گردد.

بافت شهری در معماری ایرانی

در معماری سنتی ایران، خانه در بافت‌های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی به حساب می‌آمد که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می‌شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم (غیر خودی) محفوظ باشند. بر اساس همین دوگانگی خودی و غیر خودی فضای معماری ساخته شده نیز از دو بخش اندرونی فضای خودی و بیرونی فضای غیرخودی تشکیل شده بود. اندرونی مکان اعضای درجه یک خانواده، بویژه زنان، محسوب می‌گشت، در حالی که بیرونی محل آمد و شد میهمانان و افراد خارج از خانه بود. با کمی تأمل در تاریخ و ادبیات داستانی کشورمان به خوبی می‌توان این نوع نگرش را در جدایی فضاهای خصوصی و عمومی در جامعه سنتی و گذشته ایران دید (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۲۶۲). معماری ایران در یک نظر کلی، درونگرا، محجوب و پوشیده است.

فضای ورودی بناهای درونگرا

فضاهای ورودی بناهای درونگرا دارای دو نما هستند. نخست نمایی که از بیرون دیده می‌شود و دوم نمایی که از درون فضای باز داخلی مشاهده می‌گردد. (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۶۶) فضای ورودی، یک فضای رابط و اتصال دهنده است... (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ۱۷۲).

نتیجه گیری

خانه مسکونی اولین فضاییست که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می کند و در مدت کوتاهی بدان خو می گیرد. طراحی کالبدی مناسب فضاهای داخلی هر مسکن ایرانی و ارتباطات فضایی مناسب این مسکن با مساکن همجوار، بر افزایش تعاملات اجتماعی بین ساکنان اثر مطلوب داشته است. همچنین بنا به آموزه های دینی تاکید ویژه ای بر اهمیت و جایگاه خانه مسکونی برای کسب آرامش روحی و معنوی شده است، چرا که مهم ترین نتیجه آرامش، تلطیف و معنویت فضای خانه، قابلیت تأمین و توانایی پاسخ گویی به نیازهای معنوی و روحی انسان می باشد.

منابع:

۱. بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸) معماری معاصر ایران در تکیاوی بین سنت و مدرنیته نشر هنری معماری قرن، تهران.
۲. راپاپورت، ۱۹۶۹.
۳. لنگ، جان، (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ. ۱
۴. معماریان، غلام حسین، (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران، انتشارات سروش دانش
۵. سلطان زاده، حسین، (۱۳۷۲)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، تهران
۶. نورآقایی، آرش، (۱۳۸۶)، معماری ایرانی؛ معماری درون گرا، «نشریه تهران امروز»، تهران.
۷. حجت، مهدی، (۱۳۸۷)، «حریم خصوصی»، مجموعه گفتارهایی در باره خانه، مرکز هنر پژوهی نقش جهان، تهران

۸. حاجی قاسمی، کامبیز-کامبیز، ۱۳۹۰، «خشت و خیال»، چاپ اول، سروش، تهران.
۹. ناری قمی، مسعود، (۱۳۸۹)، مطالعه معنا شناختی در باب مفهوم درونگرایی در شهر اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۳.
۱۰. گودرزی سروش-افشاری بصیر، محمد مهدی-محمدرضا، (۱۳۸۸)، «درونگرایی، معنا و مفهومی پایدار در معماری ایرانی»، اولین همایش معماری پایدار.
۱۱. نورانی، مرضیه، (۱۳۸۷)، «محرمت در باغ ایرانی»، نشریه اینترنتی معماری منظر.
۱۲. حسین یزدی، مریم، «محرمت و خلوت در معماری ایرانی».
۱۳. نیری فلاح-خلیلی-محمدرسدی، سیامک-اکرم-محمد، (۱۳۹۲)، «لایه‌های محرمت در خانه سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۱۴. ارژمند-خانی، مسعود-سمیه، (۱۳۹۱)، «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی»، فصلنامه شاهراه ایرانی اسلامی.

۱. *Hakim, B. S. (1989). Arabic Islamic Cities: Building and Planing principles (p. 256). Routledge.*

۲. http://www.cloob.com/timeline/post_1150304_1404779 سامان فیروز بهر ۱۳۸۸،

چکیده انگلیسی مقالات

Dehloran prehistoric sites survey from the perspective of international cultural tourism.

Dr. Habibollah Mahmoodian.

Summary

The study of the remains of human life reveals the fact that human beings have always sought to identify unknowns in order to find, understand, and take advantage of them in the stages of the evolution of their lives. Throughout his social life, man has always tried to recognize his surroundings and this identification has been accompanied by mobility. On the one hand, the effort to take advantage of the divine blessings in nature has encouraged him to travel and mobility. Thus, the issue of traveling is not a new phenomenon, and throughout the life of man and throughout the ages of existence had existed. Ilam province has preserved valuable treasures of history and beautiful effects of creation in the form of beautiful landscapes of nature and its historical and cultural attractions. This article attempts to introduce Dehloran archaeological position as the International Cultural Tourism Pole. The excavations carried out in Dehloran area highlight the fact that human settled in this region about 8,000 years ago. Based on evidence from archaeological research, and also many experiments (Hull, Conte Flannery) in 1961 on the Alikosh hills (Ancient Hill of Alikosh and Chega Sefid and ... Human in the distance of 5500 Up to 7,500 BC, in this region, domestication of livestock and planting seeds such as barley, lentils, mushrooms and grains has been successful in this region. On the other hand, in recent studies of biostatistics (Mahmoudian, 1393), other works have been identified in the Musaic Dehloran Public Area which in this article is briefly introduced. Therefore, it is necessary to introduce the ancient region to the scientific, cultural and Academic centers through targeted planning.

Keywords: Alikosh hill, Mesopotamia, Doyrej River, Mahuz, Musiyan, Dashte Abbas

An Investigation of the Relationships of Ancient Aratta Civilization with the Civilizations of East Mesopotamia

Dr Parisa Pourmohammadi, Dr Habibollah Mahmoudian.

Summary

Iran's plateau has long been the habitat of human beings and the cradle of civilization and culture due to the geographical situation. Climate variation, water resources, Alborz and Zagros Mountains, middle and low plains, marginal plains, especially the Gulf coasts in the south and southwest of Iran have created favorable conditions for human life in this land. Several rivers on the slopes of the highlands of the western and eastern Zagros and the mountainous region of Kerman from Halil River area to the east of the Karkheh and Devirej rivers in the Musiyan and Dehloran regions of the western plateau of Iran have caused the southern part of the Persian Gulf to be well positioned Finding and settling.

The findings of archaeological research in Shahdad, Tale Eblis Tape Yahya and other ancient sites in the Halil River in the southwest slopes of Jabal Barez, the northern Strait of Hormoz and its islands, as well as the Minab river indicate that the inhabitants of this area The ninth millennium BC, through the establishment of the caves and caverns, began to flow into the plains, and, with the advent of agriculture and the establishment of the first boats, there have been changes in their lives. Exploration of some tools, such as the stone sickles in the Yahya Hill and its similar examples In Tale Eblis has been an indication of the development of agricultural activities in this era.

The continuation of the Neolithic changes with the emergence of pottery in the 5th millennium BC in the Halil River and Jiroft plain illustrated the extent of civilization of this region during the Neolithic period.

Investigation and comparison of the clay pottery from the hills of Halil River with Shoush pottery shows the civilization of the inhabitants of Kerman with the southwestern region of Iran. On the other hand, inhabitants of the West of Karkheh and the banks of

the Doirej River in Musian, Dehloran, especially the Alikosh hill in the 7th millennium BC, have been settled and the appearance of pottery in this area was about 6000 BC, which can be the symmetry and simultaneously residents of Alikosh with Halil River.

The study of the ancient roads and passages of the southern region of Iran from Musiyan and the area of the Duirej and Karkheh rivers to the Halil River basin can help to further understand this relationship. In the other hand, the communication path of civilization of South of Iran with Mesopotamian civilizations will be incomplete without further investigation and recognition of the civilization and culture of the inhabitants of Musiyan and Dehloran, which is also mentioned in this article.

Key words: Zagros, Aratta, Anshan, Musiyan, Mesopotamia, Lian

The reasons for the stability of Islamic architecture, relying on mosques and architectural creativity.

Zainab Lotfi & Azadeh Mahmoodian

Abstract

One of the indicators of the art of architecture is its level of sustainability and its durability in historical periods. Islamic architecture is one of the branches of architecture that has been used by Iran's pre-Islamic architectural patterns among Islamic countries especially in Iran and has played an important role in the dynamics of Iranian architecture. The architects' reliance on Islamic architecture has focused on the design of religious buildings, especially the architecture of mosques. The architecture of the mosques involves combining the genius and artistry of the architects and understanding them and getting them from the components and foundations of Islamic religion, which is used to design motifs, colors, mosques, mogharnas and arches, porches and minarets and... Can be downloaded. Sustainability and survival of works such as: Imam Isfahan Mosque, Sheikh Lotfollah Mosque, Aqa Bozorg Mosque and etc are the result of the thought and skill of Iranian artist architects. This paper attempts to present the findings of studies carried out in this field.

Key words: Mosque, Islamic architecture, Mogharnas, Sustainability, Wind turbine.

Privacy in Iranian architecture. Dr. Ebrahim Moradi Mina Hashemi**Abstract**

The house is the place where a person dwells in. The building is more institutionalized than multidimensional function, which causes the first immediate experience of spaces isolation and accumulation. The building of the house, in addition to being a shelter, is intended to preserve and protect human beings from all kinds of frivolities, but is a building that embodies the identity culture and civilization of a nation. The topic of privacy is very important in Iranian architecture. This article also attempts to address the issue of privacy in Iranian homes. This paper, by addressing the concept of privacy in architecture, also refers to the issue of privacy in architecture. From the point of view of the concept of confidentiality according to Muslims and The role of Islam in the creation of privacy in Iranian residential architecture and artisans have been considered in this paper .

Key words: home, privacy, Islamic architecture, Iranian architecture.

Lullabies with the sound of Ilamian mothers. Zahra fathi

Abstract

The literature is like a swarm of waves, the waves of which are the result of wisdom, tangibility, excitement that comes out of the breasts of the peoples of every culture, the waves of which are closer to their purer spirit, the purer literature is; One example of this pure literature is folk literature, the origin of which is the mass of people who, despite their desire to learn in their school, have been loaded and cultivated in the current culture of society, hence "plain and unpopular literature Because the life of the common people is this, ordinary people do not have to convey the meaning of speech while speaking, so they do not need complicated words, and the legend And their songs can not be simple; another, in the case of complexity, loses the power of their linguistic and oral transmissions, because if they are not simple, the public can not repeat it, keep it, remember it and say it« .

In this writing, it has been decided to introduce the lilacs of the Ilamian mothers, which are rooted in the folk literature of this ancient land .

Key words: Lullaby, Folklore, Legends, Goddess Ishtar, Goddess.

Study of the architectural features of the monument of the castle of Konjan Cham.

Vahid Derakhshandeh

Abstract

Ilam province has valuable treasures since past. It seems that the location of this place as a link between the central plateau and the neighboring flat areas of the Middle East has been affected by the multiplicity of works. In this province, there are numerous works of cities, bridges, castles, townships, landscapes, Fireworks, mills, caravansaries, residential places of the past and so on. There are various ancient fortresses and towers military and governmental forts, which can be found in various regions of Iran, which are of special features of architecture have. Most castles have historically been in the history of the Iranian land for restraint.

This article attempts to introduce one of the architectural monuments (castles and historical monuments) as part of the works of the civilization and culture of this region of the great land of Iran. The historic castle of Konjan Cham, the castle headed by the governor of Hossein Gholi Khan, the Master Hussein Gholi Khan and his entourage, remained intact for various architectural specialties. It is hoped that this little activity will be effective in identifying the historical identity of this region, and will in some way attract the attention of the researchers and readers of this field.

Key words: Islamic Architecture, Konjan Cham, military forts, historical road, courthouse.

In this issue you read:

1. Dehloran prehistoric sites survey from the perspective of international cultural tourism.

Dr. Habibollah Mahmoodian

2. An Investigation of the Relationships of Ancient Aratta Civilization with the Civilizations of East Mesopotamia

Dr Parisa Pourmohammadi, Dr Habibollah Mahmoudian.

3. Lullabies with the sound of Ilamian mothers.

Zahra fathi.

4. The reasons for the stability of Islamic architecture, relying on mosques and architectural creativity.

Zainab Lotfi& Azadeh Mahmoodian

5. Study of the architectural features of the monument of the castle of Konjan Cham.

Vahid Derakhshandeh

6. Privacy in Iranian architecture.

Dr. Ebrahim Moradi Mina Hashemi

GENERAL ARTICLE FEATURES

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

the article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed.

Original text: Contains the main text of the article and can be

associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after conclusion

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

the article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references:

surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name, Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Reference to the thesis: The author's surname, the author's name, the year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges.

Referees this issue:

Dr. Leyla Khosravi

Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh

Dr. Masoud Shadman

Dr. Khodakaram Mazaheri

Dr. Soheila Darvishi

Dr. Siavash Yari

Dr. Lily Niakan

Dr. Habib Shahbazi Shiran

Editorial board:

Dr. Reza Ahmadi
Specialty: Forestry
Dr. Parisa Pourmohammadi
Specialty: Archaeological
Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh
Specialty: Archaeological
Dr. Shahin Heidari
Specialty: Architecture-Energy
Dr. Haji Karimi
Specialty: Geohydrology
Dr. Reza Khani
Specialty: English Language and Literature
Dr. Ali Khaki
Specialty: Structural Architecture
Dr. Leyla Khosravi
Specialty: Archaeological
Dr. Soheila Darvishi
Specialty: Archaeological
Dr. Frangis Darvishi
Dr. Naser Rad
Specialty: International Relations
Dr. Masoud Shadman
Specialty: History, Civilization, Nations
Dr. Habib Shahbazi Shiran
Specialty: Archaeological
Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan
Specialty: Linguistics
Dr. Habibollah Mahmoodian
Specialty: Archaeological
Dr. Ebrahim Moradi
Specialty: Archaeological

Dr. Khodakaram Mazaheri

Specialty: Archaeological

Dr. Lily Niakan

Specialty: Archaeological

Dr. Siavash Yari

Specialty: History of Islam

Quarterly Ilamology Studies

Quarterly Specialty Number 9 * tree year * winter 1397

Owner and responsible manager: Dr. Habibollah Mahmoudian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Consultant: Engineer Ali Mohammad Niakan

Persian editor: Hasan Afshar

English Editor: Dr. Reza Khani

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Baha: 250,000 Rials

Address: Quarterly: Ilam, Ashrafi Esfahani Ave., Third Alley, No. 217

Postcode: 6931858315 - Phone: 08433334318

E-mail: habibmahmoodian@yahoo.com